



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اطلاعات دوست

منتخب نغمه البلاغه

تضمین موفقیت در دنیا و عقبی

معجزات علمی مولا امیر المومنین (علیه السلام)

بررسی عوامل رویکرد اروپا به اسلام

نقد و بررسی غربزدگی در مسلمانان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با طلا باید نوشت : برگزیده نهج البلاغه

نویسنده:

مهدی میلانی

ناشر چاپی:

نور معرفت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	با طلا باید نوشت : برگزیده نهج البلاغه
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۵	مقدمه
۱۵	اشاره
۱۸	شگفتی محیرالعقول
۱۹	یک مسیحی ۲۰۰ بار نهج البلاغه را خوانده!
۲۰	الف) یک نمونه از علم اکتشاف:
۲۲	ب) کسب موفقیت فراگیر از سرچشمه اصلی
۲۴	مناظره جداب و دلنشین
۲۶	به خود آییم
۳۴	حکایتی دلنشین از اهمیت اخلاق اسلامی
۳۹	چرا شیطان پیله محبتین (شیعیان) می شود؟
۴۲	با عمل به دستورات دین، روح و جسم خود را بیمه نماییم
۴۳	دو حکایت دلنشین واقعی در این رابطه
۵۰	شایعه مرموز روایات جعلی
۵۲	در امور پیش پا افتاده هم روایت داریم
۵۳	یکی از دلایل مهم اندیشمندان به اسلام
۵۶	قاعده کلی در تطبیق احکام شرع با دانش جدید
۶۲	معرفی بهترین و کاملترین الگو
۷۱	دو توصیه قرآنی مهم:
۷۲	در مورد این کتاب
۷۴	برگزیده خطبه های نهج البلاغه

۷۴	ابتدای خطبه ۱: عجز انسان از شناخت ذات خدا
۷۵	قسمت دوم از خطبه ۱: دین و شناخت خدا
۷۷	انتهای خطبه ۲۳: ضرورت تعاون با خویشاوندان
۷۸	خطبه ۳۸: ضرورت شناخت شبهات
۷۹	خطبه ۷۶: صفات بنده پرهیزکار
۸۰	خطبه ۸۱: تعریف زهد و پارسایی
۸۱	قسمت ۷ از خطبه ۸۳: راه های پندپذیری
۸۳	قسمت ۸ از خطبه ۸۳: عبرت از مرگ
۸۵	قسمت ۹ از خطبه ۸۳: معزفی الگوی پرهیزگاری
۸۷	قسمت ۱۰ از خطبه ۸۳: هشدار از دشمنی شیطان
۸۸	قسمت ۱۳ از خطبه ۸۳: پندآموزی از گذشتگان
۹۰	قسمت آخر خطبه ۸۶: یادآوری ارزش های اخلاقی
۹۲	آخر خطبه ۹۰: اندرزهای حکیمانه
۹۳	قسمت سوم از خطبه ۱۰۵: اندرزهای جاودانه و توجه دادن مردم به اهل بیت علیهم السلام
۹۴	قسمتی از خطبه ۱۴۰: پرهیز دادن از غیبت و بدگویی
۹۶	قسمت ۲ از خطبه ۱۴۵: نکوهش از بدعت ها
۹۷	قسمت ۲ از خطبه ۱۵۰: غیبت کبری و حکومت حضرت مهدی علیه السلام
۹۸	قسمت ۲ از خطبه ۱۵۳: درمان غفلت زدگی ها
۹۹	قسمت ۲ از خطبه ۱۸۲: راه های خدانشناسی
۱۰۱	قسمت ۵ از خطبه ۱۸۳: روش استفاده از دنیا
۱۰۳	قسمتی از خطبه ۲۰۳: آخرت گرایی
۱۰۳	قسمت یکم از خطبه ۲۲۳ هشدار از غرور زدگی ها
۱۰۵	قسمت دوم از خطبه ۲۲۳ چگونه بودن (راهنمایی)
۱۰۷	قسمت سوم از خطبه ۲۲۳ دنیا شناسی
۱۰۹	خطبه ۲۲۴ عدالت علوی (پرهیز از امتیاز خواهی)
۱۱۲	برگزیده نامه های نهج البلاغه

- عهدنامه اخلاق اجتماعی ۱۱۲
- برگزیده حکمت های نهج البلاغه ۱۱۶
- حکمت ۲: شناخت ضد ارزش ها ۱۱۶
- حکمت ۳: شناخت ضد ارزش ها ۱۱۷
- حکمت ۴: ارزشهای اخلاقی و ضد ارزش ها ۱۱۸
- حکمت ۶: ارزش رازداری و خوشرویی ۱۱۹
- حکمت ۷: ایثار اقتصادی و آخرت گرایی ۱۲۰
- حکمت ۸: شگفتی های تن آدمی ۱۲۱
- حکمت ۹: شناخت ره آورد اقبال و اِدبار دنیا ۱۲۱
- حکمت ۱۰: روش زندگی با مردم ۱۲۲
- حکمت ۱۱: روش برخورد با دشمن ۱۲۳
- حکمت ۱۳: روش استفاده از نعمت ها ۱۲۳
- حکمت ۱۵: روش برخورد با فریب خورده گان ۱۲۴
- حکمت ۲۴: کفاره گناهان بزرگ ۱۲۵
- حکمت ۲۵: ترس از خدا در فزونی نعمت ها ۱۲۵
- حکمت ۲۷: روش درمان دردها ۱۲۶
- حکمت ۲۸: برترین پارسایی ۱۲۶
- حکمت ۳۰: پرهیز از غفلت زدگی ۱۲۷
- حکمت ۳۳: اعتدال در بخشش و حسابرسی ۱۲۷
- حکمت ۳۶: آرزوهای طولانی و بزهکاری ۱۲۸
- حکمت ۳۹: جایگاه واجبات و مستحبات ۱۲۸
- حکمت ۴۶: ارزش پشیمانی و زشتی غرورزدگی ۱۲۹
- حکمت ۵۴: ارزش های اخلاقی ۱۳۰
- حکمت ۵۷: ارزش قناعت و خودکفایی ۱۳۱
- حکمت ۵۸: توانگری و شهوت ها ۱۳۱
- حکمت ۵۹: ارزش تذکر دادن اشتباهات ۱۳۱

- حکمت ۶۶: روش خواستن ۱۳۲
- حکمت ۶۷: ارزش ایثار اقتصادی ۱۳۲
- حکمت ۶۸: ره آورد عفت و شکرگذاری ۱۳۳
- حکمت ۶۹: حفظ روح امیدواری ۱۳۳
- حکمت ۷۱: نشانه کمال عقل ۱۳۴
- حکمت ۱۰۱: روش برطرف کردن نیازهای مردم ۱۳۴
- حکمت ۱۰۲: آینده و مسخ ارزش ها ۱۳۵
- حکمت ۱۰۳: روش برخورد با دنیا ۱۳۶
- حکمت ۱۰۶: ره آورد شوم دین گریزی ۱۳۷
- حکمت ۱۱۱: عشق به امیرالمؤمنین علیه السلام و تحمل سختی ۱۳۸
- حکمت ۱۱۳: ارزش های والای اخلاقی ۱۳۹
- حکمت ۱۱۸: استفاده از فرصت ها ۱۴۰
- حکمت ۱۱۹: ضرورت شناخت دنیا ۱۴۱
- حکمت ۱۲۶: در نکوهش خواها و کردارهای ناشایسته ۱۴۱
- حکمت ۱۲۷: نکوهش از سُستی در عمل ۱۴۴
- حکمت ۱۲۹: شناخت عظمت پروردگار ۱۴۴
- حکمت ۱۳۷: صدقه راه ازدیاد روزی ۱۴۵
- حکمت ۱۴۰: قناعت و بی نیازی ۱۴۵
- حکمت ۱۴۵: عبادت های بی حاصل ۱۴۶
- حکمت ۱۵۳: صبر و پیروزی ۱۴۶
- حکمت ۱۵۴: اهمیت نیت ها ۱۴۷
- حکمت ۱۶۲: ضرورت رازداری ۱۴۷
- حکمت ۱۶۵: پرهیز از نافرمانی خدا ۱۴۸
- حکمت ۱۷۰: ضرورت ترک گناه ۱۴۸
- حکمت ۱۷۴: ارزش خشم در راه خدا ۱۴۹
- حکمت ۱۷۵: راه درمان ترس ۱۴۹

- حکمت ۱۷۷: روش برخورد با بدان ۱۵۰
- حکمت ۱۷۸: روش نابودکردن بدی ها ۱۵۰
- حکمت ۱۷۹: لجاجت و سستی اراده ۱۵۰
- حکمت ۱۸۱: ارزش دوراندیشی و پرهیز از کوتاه فکری ۱۵۱
- حکمت ۱۹۲: پرهیز از زراندوزی ۱۵۱
- حکمت ۱۹۶: عبرت آموزی از زمین خوردن لَمْ يَذْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَظَكَ. غصه زیان از دست داده را مخور، زیرا تو را ۱۵۱
- حکمت ۲۰۳: یاد مرگ و پرهیزکاری ۱۵۲
- حکمت ۲۱۹: آرزوها آفت اندیشه ۱۵۳
- حکمت ۲۲۲: بی توجهی به بدی بدکاران ۱۵۳
- حکمت ۲۲۳: حیا و عیب پوشی ۱۵۳
- حکمت ۲۳۲: نتیجه انفاق ۱۵۴
- حکمت ۲۳۴: تفاوت اخلاقی مردان و زنان ۱۵۴
- حکمت ۲۴۰: غضب و ویرانی ۱۵۵
- حکمت ۲۴۱: آینده دردناک ستمکاران ۱۵۵
- حکمت ۲۴۴: مسؤولیت نعمت های الهی ۱۵۶
- حکمت ۲۴۶: هشدار از پشت کردن نعمت ها ۱۵۷
- حکمت ۲۵۰: خداشناسی در حوادث روزگار ۱۵۷
- حکمت ۲۵۴: تلاش در انفاق های اقتصادی ۱۵۸
- حکمت ۲۵۵: تندخویی و جنون ۱۵۸
- حکمت ۲۶۴: نیکی به بازماندگان دیگران ۱۵۹
- حکمت ۲۷۸: ارزش تداوم عمل ۱۵۹
- حکمت ۲۸۸: جهل و خواری ۱۵۹
- حکمت ۲۹۷: ضرورت عبرت گرفتن ۱۶۰
- حکمت ۳۰۴: ضرورت پاسخ دادن به نیازمندان ۱۶۰
- حکمت ۳۰۵: غیرتمندی و ترک زنا ۱۶۱
- حکمت ۳۱۱: نفرین امام علیه السلام ۱۶۱

- حکمت ۳۱۲: روانشناسی عبادات ۱۶۲
- حکمت ۳۱۳: جامعیت قرآن ۱۶۳
- حکمت ۳۱۶: پیشوای مؤمنان ؛ تبهکاران ۱۶۴
- حکمت ۳۲۷: پیروزی های دروغین ۱۶۴
- حکمت ۳۲۸: وظیفه سرمایه داران ۱۶۵
- حکمت ۳۳۰: مسئولیت نعمت ها ۱۶۵
- حکمت ۳۳۳: روانشناسی مؤمن ۱۶۶
- حکمت ۳۳۶: مسئولیت وعده دادن ۱۶۷
- حکمت ۳۴۲: راه بی نیازی ۱۶۷
- حکمت ۳۳۷: ضرورت عمل گرایی ۱۶۸
- حکمت ۳۴۷: جایگاه ستایش ۱۶۸
- حکمت ۳۴۹: الگوی انسان کامل ۱۶۹
- حکمت ۳۵۰: روانشناسی مردان ستمکار ۱۷۱
- حکمت ۳۵۱: امیدواری در سختی ها ۱۷۱
- حکمت ۳۵۲: اعتدال در رسیدگی به امور خانواده ۱۷۲
- حکمت ۳۵۳: بزرگ ترین عیب ۱۷۳
- حکمت ۳۵۷: روش تسلیت گفتن ۱۷۳
- حکمت ۳۶۰: ضرورت پرهیز از بدگمانی ۱۷۴
- حکمت ۳۶۱: روش خواستن از خدا ۱۷۴
- حکمت ۳۶۴: جایگاه پرسیدن ۱۷۵
- حکمت ۳۶۹: خیر از مسخ ارزش ها ۱۷۵
- حکمت ۳۷۱: ارزش های والای اخلاقی ۱۷۶
- حکمت ۳۷۲: عوامل استحکام دین و دنیا ۱۷۷
- حکمت ۳۷۶: سرانجام حق و باطل ۱۷۹
- حکمت ۳۷۷: ضرورت ترسیدن از عذاب الهی ۱۷۹
- حکمت ۳۸۰: ضرورت یاد مرگ ۱۸۰

۱۸۱	حکمت ۳۸۱: ضرورت رازداری و کنترل زبان
۱۸۱	حکمت ۳۸۲: ارزش سکوت
۱۸۲	حکمت ۳۸۴: راه چگونه زیستن
۱۸۳	حکمت ۳۸۵: دنیا شناسی
۱۸۳	حکمت ۳۸۸: فقرزدایی و سلامت
۱۸۴	حکمت ۳۹۱: ضرورت ترک حرام و غفلت زدگی
۱۸۴	حکمت ۳۹۸: ترک غرور و یاد مرگ
۱۸۵	حکمت ۳۹۹: حقوق متقابل پدر و فرزند
۱۸۵	حکمت ۴۱۲: راه خودسازی
۱۸۶	حکمت ۴۱۵: دنیا شناسی
۱۸۶	قسمت دوم از حکمت ۴۱۶: روش برخورد با دنیا
۱۸۷	حکمت ۴۱۹: مشکلات انسان
۱۸۸	حکمت ۴۲۳: اهمیت خودسازی
۱۸۸	حکمت ۴۲۸: عید واقعی
۱۸۹	حکمت ۴۳۴: آزمون انسان ها
۱۹۰	حکمت ۴۴۷: ضرورت فقه در تجارت
۱۹۱	حکمت ۴۴۹: راه مبارزه با هواپرستی
۱۹۱	حکمت ۴۵۴: راه غرور زدایی
۱۹۲	حکمت ۴۵۶: بهای جان آدمی
۱۹۲	حکمت ۴۵۷: تشنگان مال و علم
۱۹۳	حکمت ۴۶۱: غیبت، نشانه ناتوانی
۱۹۳	حکمت ۴۶۹: پرهیز از افراط و تفریط نسبت به امام
۱۹۴	حکمت ۴۷۰: توصیف توحید و عدل
۱۹۴	حکمت ۴۷۴: ارزش عفت و پاکدامنی
۱۹۶	پرسشنامه
۲۰۳	فهرست کتاب

با طلا باید نوشت : برگزیده نهج البلاغه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: با طلا باید نوشت: برگزیده نهج البلاغه تضمین موفقیت در دنیا و عقبی تقویت عقیده و دورانیشی بررسی عوامل رویکرد اندیشمندان به اسلام نقد و بررسی غربزدگی در مسلمانان/گردآورنده مهدی میلانی.

مشخصات نشر: مشهد: نور معرفت: نورالکتاب، 1390.

مشخصات ظاهری: [192] ص.؛ 11×8 س م.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: چاپ سوم (اول ناشر)

یادداشت: چاپ سوم (اول ناشر).

شماره کتابشناسی ملی: 2733581

ص: 1

اشاره

با طلا باید نوشت

برگزیده نهج البلاغه

تضمین موفقیت در دنیا و عقبی

تقویت عقیده و دوراندیشی

بررسی عوامل رویکرد اندیشمندان به اسلام

بررسی و نقد غربزدگی در مسلمانان

بهترین هدیه به دوستان

گردآورنده: سیدمهدی میلانی

ص: 2

این چکیده نهج البلاغه که پس از مقدمه پیش روی شماست، تفسیر و تاویل آیات قرآن کریم

ص: 3

1- - اگرچه این مقدمه، طولانی است، ولی ارزش بذل توجه را دارد، و پس از اتمام مقدمه، متوجه می شوید که اکثراً از این مطالب بدور بوده اند و قضاوت می فرمایید که در چه سطحی مفید واقع شده است؟ تا در نشر مطالب آن احساس مسئولیت نمایید. یکی از نتایج مهم آن که ارتباط با متن اصلی کتاب دارد این است که به اهمیت فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام بیش از پیش برسیم و مقدار بیشتری از وقت گرانبهای خود را صرف کسب و عمل به آن علوم مجهول القدری بنمائیم که دشمنان دین از فراگیری و عمل به آن بیم و هراس شدیدی دارند، لذا یکی از رئوس برنامه های استعماری انگلیس در کشورهای اسلامی، دورکردن ملتها از دستورات پیشوایان شان بوده و هست. جهت توضیح بیشتر به کتاب «مزدوران انگلیس» (اعترافات همفر انگلیسی) مراجعه فرمایید تا بخشی از برنامه های مرموز سه قرن پیش انگلیس که اخیراً افشا شده را مطلع شوید که برایتان حتماً تازگی خواهد داشت. سپس تصور نمایید در این برهه از زمان، چه می کنند و چه برنامه هایی در نظر دارند؟!

است که طبق فرمایش صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت ثقلین، قرآن و عترت از هم هرگز جدا نمی شوند.

همانطور که مولانا امیرالمؤمنین علی علیه السلام شخصیتی فوق تصور است، سخنان گوهربار او نیز فوق تصور است و گویای حقانیت و برتری شیعه بر تمام ادیان است که موفقیت نامحدود در دنیا و عقبی در پرتو عمل به آن است و در هنگام شُبّه‌ها، فتنه‌ها و مشکلات بهترین راهنما می باشد.

کتاب نهج البلاغه با ترجمه انگلیسی، توجه بسیاری از اندیشمندان خارجی را به اسلام معطوف نمود، خصوصاً وقتی دریافتند که گوینده این جملات شگفت انگیز در 1400 سال قبل، این جملات معجزه آسا را بیان فرموده، بُهت و شگفتی بسیاری از آنها را به عظمت علمی مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام برانگیخت، و تمایل بسیاری

ص: 4

از محققان را به دین حقّ شیعہ در پی داشته و دارد.

در این رابطه به یک نمونه اکتفا می‌نمایم که پروفیسور لیگن هاوزن می‌باشد و در دانشگاه‌های امریکا تدریس می‌نموده که نهج البلاغه انگلیسی هدیه شده به او و تفکر در مطالب آن، سبب شیعه شدن او شده (1) و باعث شد که در شهر قم به کسب علوم اهل بیت علیهم السلام اشتغال ورزد. پروفیسور هاوزن می‌گوید: «پس از مدّتی که متوجّه شدم ترجمه انگلیسی نهج البلاغه ای که به من هدیه شده ضعیف و پرغلط بوده، شگفت زده شدم».

ص: 5

1- - مستحضر هستید با توجّه به این که امریکا، مهمترین مرکز علم روز روان شناسی و موفقیت می‌باشد، فرمایشات مولا امیرالمؤمنین علیه السلام برای ایشان تازگی داشته است.

گردآورنده نهج البلاغه، دانشمند بزرگ سید رضی قدس سره در مقدمه نهج البلاغه می فرماید: «از شگفتی های سخن امام علیه السلام این است که: سخن آن حضرت را که درباره زهد و مواظبت است هرگاه کسی تأمل کند و خود را از این جهت (امتیازات دیگر مولا) بیگانه پندارد، که این سخن شخصی عظیم القدر و نافذ الامر است که همه در برابر او سر فرود می آورند؛ شک و تردید نخواهد کرد که گوینده این سخن کسی است که جز در زهد و پارسایی قدم نگذاشته و هیچ اشتغالی به جز عبادت نداشته است، یقین می کند که این سخن از کسی است که در گوشه خانه ای تنها و دور از اجتماع یا در یکی از غارها قرار گرفته که جز صدای خودش را نمی شنود و غیر خویش دیگری را نمی بیند، و همواره مشغول عبادت می باشد، و هیچگاه نمی تواند باور کند که این سخن کسی است که به هنگام جنگ، در دریای لشکر فرو می رفت و پهلوانان را بر زمین

می افکند، و او با این حال یکی از زهاد و یکی از افراد صالح و پاک و نمونه ای است که نظیر ندارد. این است فضائل عجیب و شگفتی زا و ویژگی لطیف او که جمع میان اضداد(1) نموده است».

یک مسیحی 200 بار نهج البلاغه را خوانده!

مرحوم دشتی رحمه الله (2) در مقدمه نهج البلاغه می نویسد:

ص: 7

-
- 1- - به یک نمونه بسنده می شود: علیرغم اینکه به حداقل غذا به نان جو اکتفا نموده و سحرها به عبادت و راز و نیاز طاقت فرسا با خداوند متعال مشغول بودند، روزها به بیشترین دامنه فعالیتها و حلّ مشکلات مردم می پرداختند.
 - 2- - از مرحوم دشتی، 110 اثر گرانها برجای مانده که عمده آنها در ارتباط با سیره و سخنان مولا امیرالمؤمنین علیه السلام است. یکی از نوآوری های مرحوم استاد این است که در نهج البلاغه ایشان، در پاورقی خیلی از روایات، اشاره به تطبیق علوم روز با روایات مولا امیرالمؤمنین علیه السلام پس از 1400 سال شده است.

«در اوائل طلبگی وقتی یکی از نوشته های جُرج جُرداق مسیحی (استاد ادبیات عرب در لبنان) را خواندم که اعتراف کرده بود: «جاذبه های کلمات امام علی علیه السلام

شوری در من ایجاد کرد که 200 بار نهج البلاغه را مطالعه کردم» چنان بر خود لرزیدم و به تعصّب و غرور اعتقادی ام ضربه وارد شد که تا مدتی حال عادی نداشتم، بر خود نفرین کردم که چرا یک مسیحی 200 بار نهج البلاغه را می خواند؛ اما من که خود را از شیعیان امام علی علیه السلام می شمارم و ادعای محبّت و ولایت او را دارم به راستی چند بار نهج البلاغه را خوانده ام؟!». حال به ذکر دو نمونه از شگفتی های علمی مولا امیرالمؤمنین علیه السلام بسنده می کنم:

الف) یک نمونه از علم اکتشاف:

مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در آن زمان از استخراجِ روشنایی از آب سخن به میان آوردند. آنحضرت به همراه کمیل قدس سره در مقابل دریاچه ای

ص: 8

فرمودند: «یا کُمیل؛ لَوْ شِئْتُ أَنْ أَصْبِرَ مِنْ هَذَا الْمَاءِ نُورًا لَفَعَلْتُ». (1) «ای کمیل؛ اگر (منافقین و دنیا دوستان) می گذاشتند، تا از این آب نوری پدید آورم، قطعاً چنین می کردم». اگر تفرقه انگیزان به وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (2) احترام می گذاشتند و رهبری جامعه اسلامی به دست باکفایت مولای متقیان امیر مؤمنان و فرزندان معصوم آن بزرگوار علیهم السلام ادامه پیدا می کرد، دگرگونی و تمدن علمی شگرفی در آن زمان تبلور می نمود و عمده اکتشافات در همان 1400 سال

ص: 9

-
- 1- - کتاب گلچینی از سخنان معصومین علیهم السلام (کشفیات تازه از علوم آل محمد صلی الله علیه و آله)، نشر تهذیب (قم)، شمه ای از این موارد را جمع آوری نموده که علاقمندان، به این کتاب مراجعه نمایند.
 - 2- - فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ «هرکه من مولای اویم، این علی علیه السلام مولای اوست»، در 222 مورد از معتبرترین کتاب های عامه آمده است.

قبل شکوفا، اتحاد خلل ناپذیر و قدرت مسلمانان بطور غیرقابل وصفی نمایان می شد. (1) به این جمله غریبانه اول مظلوم عالم، مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام باید گریه و شیون نمائیم که فرمودند: «وَتَعْرِفُونَنِي بَعْدَ خُلُوقِ مَكَانِي وَ قِيَامِ غَيْرِي مَقَامِي» (2). «هنگامی مرا خواهید شناخت که در میان شما نباشم و دیگران بجایم باشند».

(ب) کسب موفقیت فراگیر از سرچشمه اصلی

ص: 10

1- - باید توجه داشته باشیم که پس از 25 سال انحراف شدید خلفا نسبت به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ، بناچار اکثر دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام به سازندگی داخلی و دفاع در مقابل هجوم دنیاطلبان داخلی و خارجی که از مهره های خلفای قبلی بودند معطوف شد.

2- - نهج البلاغه ؛ انتهای خطبه 149.

به عزیزانی که در جستجوی کسب موفقیت و زندگی پاک و هدفداری هستند، توصیه می شود که اگر بادقت و تعمق در قرآن کریم، نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه اندیشه نمایند، متوجه خواهند شد که از چه گوهرهایی غافل بوده، و در پرتو عمل به آنها، چه تحوّل مثبت و چه زندگی پاک و شیرینی برای آنها به ارمغان خواهند آورد. بعنوان نمونه، اساس نظرات آنتونی رابینز در مورد موفقیت که علاقمندان بسیاری را به خود جلب کرده، در چند حکمت از حکمت های نهج البلاغه خلاصه شده است که 14 قرن پیش از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است (1).

ص: 11

1- - درباره موفقیت، به حکمت های 54، 69، 118، 140، 175، 179، 181 و 196؛ و در مورد بخشش و رسیدگی به فقرا در روایات فراوانی (مثل حکمت 137، 232، 328) آمده است که خداوند متعال در دنیا و آخرت تلافی می نماید و آنتونی رابینز به همین اعمال حسنه جهت کسب موفقیت تاکید می ورزیده است. کسانی که باور نمی کنند، به نسخه های خطی (قدیمی) نهج البلاغه در کتابخانه ها مراجعه نمایند تا مطمئن شوند. ضمناً در کتاب غُرُزِ الْحِکْمِ (کلمات کوتاه مولا امیرالمؤمنین علیه السلام)، روایات فراوانی در رابطه با روانشناسی و موفقیت به چشم می خورد. همچنین اگر کتاب های «اخلاق از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام» و «معراج السّ عاده» را با دقت مطالعه نمایید متوجه می شوید که نیازی به نظرات نویسندگان خارجی و آئین آنها نداشته و عمده نظراتشان را در این دو کتاب خواهید یافت.

سه نفر تحصیل کرده سنی جهت مناظره به خدمت علامه امینی قدس سره مؤلف کتاب گرانقدر «الغدیر» رسیدند. علامه امینی مرتبه علمی آنها را پرسید.

یکی گفت طیب است، دیگری گفت مهندس است و سومی مرتبه علمی خود را دکترای ادبیات

ص: 12

عرب معرفی کرد. علامه پرسید: با توجه به این مرتبه علمی که دارید، دو خلیفه اول را در سطح علمی بالاتر می دانید یا خودتان را؟ کمی فکر کردند و پاسخ دادند که خودمان را در سطح علمی بالاتر می دانیم. علامه امینی گفت: من از شخصیتی دفاع می کنم که دانش کامل دارد نسبت به زمین و آسمان، کهکشانها و سیارات، گذشته و آینده، و همه معماهای علمی؛ و شما دفاع می کنید از کسانی که مرتبه علمی آنها را از خودتان کمتر می دانید! پس شروع به مناظره می نمایم، به نام خداوند مهربان و بخشنده گفتند که همین مقدار کافی است و ما می رویم.

ص: 13

حال از خود پرسیم چقدر از فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام را در زندگی روزمره خود پیاده نموده ایم؟ آیا همین که بگوییم خیلی دوستشان داریم کفایت می کند یا اینکه باید شباهتی از هر نظر با آن بزرگواران داشته باشیم. باید منصفانه اعتراف کنیم که اگر به مقدار کافی به فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام اعتقاد داشتیم و روایات فراوانی که برای ما فرموده اند را یاد گرفته و عمل می نمودیم (1)، این وضعیت نابسامان معنوی حق ما نبود. دعاهایمان مثل گذشته اکثراً مستجاب می شد (2)، بی برکتی مالی و زمانی به این مقدار

ص: 14

-
- 1- - از هشدار مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه 47 نهج البلاغه غافل نباشیم که فرمودند: «مبادا بیگانگان در عمل به قرآن از شما پیشی بگیرند»، که متأسفانه پیشی هم گرفته اند!
 - 2- - قبلاً در حرم های مطهر، کرامات و معجزات ائمه اطهار علیهم السلام به اذن خداوند متعال بسیار مشهود و نمایان تر بود. طبیعی است کثرت گناهانمان باعث آزرده گی خاطر آن بزرگواران شده است.

نمی‌رسید؛ جوانانمان معتقدتر بودند، زلزله و سیل، درصد بیماریها (خصوصاً لاعلاج)، جوانمرگی (1)، طلاقها، ورشکستگیها (2)، انواع اعتیادات مهلک به مواد گوناگون مخدر، روابط نامشروع و حشمتاک و... به این حدّ نمی‌رسید (3).

ص: 15

1- - در بعضی موتورسواران و رانندگان جوان دیده شده که بدون توجه به حقوق دیگران، بطور وحشتناکی رانندگی نموده، باعث ایجاد ترس، شوکه و آه شدید برای عابران پیاده شده و دچار عقوبت و تصادف سختی شده اند. طبق دستور دین، حقّ تقدّم (اکثراً) با عابر پیاده است (سواره باید پیاده را درک نماید).

2- - حکمت 447 را بخوانید تا یکی از دلایل مهمّ آن را بیابید.

3- - اگر دقت نمایید متوجّه می‌شوید که شهرها، و مکانهایی که گناه کمتر، و یا عبادت بیشتر انجام می‌شود، این موارد نسبتاً کمتر می‌شود. همچنین طبق چند روایت، به خاطر رسیدگی فراوان به فقرا و مستمندان، که در آداب مسلمانی بسیار تاکید شده، عذاب الهی رفع و یا به تاخیر می‌افتد، مثلاً در شهر تهران، به همین علّت عذاب الهی به تاخیر افتاده است؛ جهت توضیح به حکمت 24، مراجعه نمایید.

وجدانا مقایسه کنید که دین داری صحیح نسبت به گذشته چگونه شده است؟ از سوی نیروی انتظامی اعلام شده که آمار مراجعه به نیروی انتظامی، جرم و جنایات، و حتی تصادفات در ماه مبارک رمضان و محرم الحرام به حداقل خود می رسد، یعنی: دینداری نسبی در بازدارندگی از جرم و جنایات تاثیر بسزایی دارد. در صورت دینداری صحیح، نیازی به این همه دادگاه، نیروی انتظامی و دفاتر طلاق نداریم، چون اگر هر مسلمانی، خداوند متعال را قدرتی وصف ناپذیر و شاهد بر همه اعمال خود بداند و دستورات دین خود را فراگرفته و عمل

ص: 16

نماید، و بداند که مجاز نیست حق دیگری را ضایع نماید، و اهمیت دادگاه عدل الهی در قیامت را مدّ نظر داشته، و دنیای زودگذر را اهمیت ندهد، دیگر ظلم و تضییع حقوق به حداقل می رسد. بعنوان مثال، اگر در شهر یزد تحقیق نمائید متوجّه می شوید به علت دینداری نسبی، میزان دادگاه، نیروی انتظامی و دفاتر طلاق بطور محسوسی کمتر می باشد. وجدانا، از دین اسلام چه مقدار اطلاع صحیح داریم؟ آیا دینمان را باید صرفاً از تلویزیون، روزنامه ها و یا نوشته های نادرست و بعضاً وابسته به اجانب بدون تحقیق دریافت و باور کنیم؟! عوامل رویکرد اندیشمندان غربی به اسلام در اروپا بطور صحیح تحقیق کنید، علیرغم تبلیغات فراگیر بر ضدّ اسلام، اندیشمندانی که به اسلام روی آورده و از ما در عمل به دین مقیدتر

هستند؛ آیا بی فرهنگ و بی تمدن هستند؟ یا اینکه کتابهای اصلی ما را خوانده، حقیقت و واقعیت ها را دریافته و با عمل به آنها به تعالی رسیده اند؟ بعضی از اندیشمندان مسیحی و صاحب مسلکان وقتی در مسلک خویش تحقیق نموده، به پاسخی صحیح و قانع کننده دست نیافتند(1)، به تفحص در آئین های دیگر پرداخته و پس از سالها کنکاش، و حتی سفر به خاورمیانه جهت تکمیل

ص: 18

1-- به یک ایراد کوچک به مسیحیت اکتفا می شود: مسیحیان مجرم برای فرونشستن وجدانشان پس از ارتکاب جرم جهت اعتراف به کشیشان مسیحی مراجعه می نمایند و با پرداخت مبالغ هنگفت، مژده بخشودگی جرم آنها صادر می شود! در حالی که گناهکار، فقط به خداوند متعال باید تضرع و توبه نماید. در ضمن به کتاب داستانهایی از توّابین که مراجعه نمایید می بینید که چقدر مورد لطف و عنایت پروردگار قرار گرفته اند، و در صورت تکرار گناه غیرعمدی اگر توبه نمودند باز هم توبه آنها قبول می شود و خداوند متعال بخشنده ترین بخشنده هاست.

تحقیق خویش، علیرغم تبلیغات تکنیکی استعمار بر ضد اسلام، عطش خویش را با جرعه های معارف حقه اسلام سیراب نموده و برای تمام سؤالات خویش، پاسخهای قانع کننده دریافت کرده اند.

تعدادی از اندیشمندان غربی نیز پس از خسته شدن از فساد و لذائذ بدلی و زودگذر دنیا، و عدم تامین اعتقادی و معنوی مسلک خویش، به تحقیق در مذاهب زنده دنیا پرداخته و متوجه می شوند که آئین اسلام از هر لحاظ آنها را تامین می نماید. (1)

ص: 19

1- - هزار افسوس که قشری از جوانان ما که نسبت به دین خود اطلاعات کافی نداشته و یا به نادرستی مطالبی که به خوردشان داده شده، قدر دین خود را ندانسته، و سعادت خویش را در غربزدگی و هوسرانی می دانند. پس نتیجه این می شود که چرخه تفکر این جوانان چندین سال عقب تر از آن اندیشمندان است، چرا که همین جوانان پس از تباهی جوانی، و ابتلا به بیماریهای لاعلاج، و تفکر صحیح، شاید امید برگشت به اصل خویش را داشته باشند. یکی از خوانندگان امریکایی، پس از خودکشی، نامه ای از او بجای مانده بود که اینطور قید شده بود: «هرچه لذت بود کسب کردم و دیگر هرچه گشتم لذت جدیدی پیدا نکردم، از زندگی یکنواخت خسته شدم، در انتها خواستم لذت مرگ را بچشم!»؛ و یا گروه جدیدی که در اروپا و امریکا بوجود آمده اند، که پس از شهوترانی های فراگیر، به کارهای پستی که چارپایان از آن بدور هستند خود را مشغول می کنند، همه اشاره ای است که جوانان عزیز با تفکر صحیح، به خود آیند. محدودیت اسلام نسبت به حجاب و مسائل جنسی بخاطر روح و نسل پاک و استواری بنیان خانواده است که وقتی نسبت به دستورات الهی ملزم باشیم در کنار لذائذ حلال، علاوه بر امید به آخرت و امید استجاب دعا در هنگام مشکلات، حلاوتی وصف ناپذیر از زندگی هدفدار لمس شده و زندگی یکنواخت نخواهد بود.

آنها علی‌رغم تحقیر و تمسخر بسیاری از دوستان و بستگان خویش، امور زندگی خود را با اسلام منطبق نموده‌اند، با عملکرد دقیق به

ص: 20

دستورات دینی توسط آنها، سیل اسلام خواهی در اروپا، امریکا و بسیاری از کشورها، معضله ای مخاطره آمیز برای استعمار بوجود آورده (1) که یکی از دهها واکنش آنها، نسبت به جهانی شدن اسلام، توسعه دامنه هجوم فرهنگی به ایران و کشورهای همجوار بوده است. یکی از این موارد تهیه و پخش ماهواره ای سوژه های ساختگی و منحرف کننده از ایران است که چهره تشیع را عقب مانده و تروریست قلمداد کنند. البته تازه مسلمانان اندیشمند، سطح قدرت انحرافی دشمنان را می دانند و با تحقیق و تفحص دقیق از کتابها و علمای دین شناس دلسوز، به این آگاهی می رسند که ریشه خشونت که در بعضی از مسلمان نماها بروز می نماید، ریشه اش استعمار ننگین انگلیس است که مؤسس وهابیت بوده و در

ص: 21

1- - کتاب «خورشید اسلام چگونه درخشید؟» به تفصیل، عوامل پیشرفت اسلام در تاریخ پیامبراکرم صلی الله علیه و آله بررسی شده است.

فتنه انگیزی تبخر فراوانی دارد. دین حقه اسلام آیینی است که به حقوق دیگران، بسیار اهمیت قائل است. (1)

حکایتی دلنشین از اهمیت اخلاق اسلامی

با نقل رویداد شنیدنی زیر با مدرک معتبر، به دقت و اهمیت دستورات اسلام بیشتر واقف می شویم.

در زمان صدام ملعون، بسیاری از شیعیان عراق، به کشورهای همجوار، اروپا و... پناهنده شدند، منجمله آقای شیخ عبدالحمید مهاجر که به یکی از کشورهای اروپایی پناهنده شده بود. نزدیک ماه محرم بود که شیعیان غریب پناهنده شده در محلی جمع شدند و با یکدیگر تصمیم گرفتند که در دهه اول محرم، برای مظلومیت حضرت امام حسین (علیه الصلاه والسلام) مجلس

ص: 22

1- - به کتاب رساله حقوق حضرت امام سجاد علیه السلام مراجعه نمایید.

سوگواری برپا نمایند. مصمّم به انتخاب مکانی برای این منظور شدند. چند سالن را بازدید نمودند که اجاره نمایند، ولی چون تعفن فساد در آن سالن ها مشهود بود، منصرف شدند. آقای مهاجر پیشنهادی به دوستان داد که مورد پسند واقع شد. ایشان چون مسلط به زبان انگلیسی هم بود پیشنهاد اجاره شبکه رادیویی را داد که دیگران هم استفاده نمایند. لذا به یکی از شبکه های رادیویی مراجعه و درخواست خود را اعلام نمودند. منشی آنجا دو شرط را اعلام نمود. اول بررسی نوار سخنرانی مربوطه طی سه روز، دوم مبلغ (گرافی) که برای ده ساعت سخنرانی بایستی هزینه شود. آن شیعیان غیور، هزینه سنگین مربوطه را قبول نمودند و از آقای مهاجر درخواست تهیه نوار را نمودند. آقای مهاجر گفت:

ص: 23

«ابتدا شرحی از اخلاق، معاشرت و حقوق اسلامی را عنوان نموده و در انتها که می خواستم گریزی از مصیبت امام حسین علیه السلام را بگویم، به من گویا الهام شد که مصیبت حضرت علی اصغر(علیه السلام) را بگویم. من هم مصیبت جانگداز آن طفل ششماهه را گفتم و نوار را تحویل دادم. پس از سه روز(با محدودیت زمانی که داشتیم) با اضطراب و نگرانی به شبکه مراجعه نمودیم، برخلاف تصوّرمان، به گرمی به اتاق رئیس، ما را بدرقه نمودند. رئیس شبکه به گرمی از ما استقبال نمود و گفت: ما اطلاع نداشتیم؛ دستورات اسلام در مورد اخلاق و حقوق به این حدّ ظریف، جامع و مدوّن باشد؛ و اگر مردم مطلع شوند که دیگران چه حقوقی بر آنها دارند و رعایت نمایند، امنیت بیشتری بر جامعه حاکم می شود، به همین خاطر نوار را به چند شبکه دیگر ارائه کردم، مورد استقبال آنها نیز قرار گرفت، اگر اجازه دهید، در چند شبکه دیگر نیز پخش شود.

ما از این پیشنهاد استقبال نمودیم. سپس تاقلی نمود، عینک خود را برداشت متوجه شدیم اشک از چشمانش جاری شده، به طرز رقت باری پرسید! در انتهای نوار آن طفل بی گناه که بود که شما مظلومیتش را گفتید؟ پس از چند لحظه ادامه داد: به خاطر آن طفل مظلوم، از شما مبلغی نمی گیریم». در اینجا جا دارد از مسئولین محترم و منصف صدا و سیما بپرسیم، چند درصد از برنامه های رادیو و تلویزیون از اخلاق، رفتار و حقوق اسلامی پخش می شود و چه مقدار فرهنگ سازی صحیح می شود؟ آیا باید تحت تاثیر نظرات پوچ بعضی از عوام قرار گرفته، برنامه ها را طبق درصد نظرخواهی آنها پخش کنند؟! یا طبق وظیفه دینی که کاملترین و جامعترین آن در اختیارمان هست و باید به آن بیشتر بها دهیم تا هم ضریب امنیت اجتماعی را به حد مطلوب برسانیم و هم جوانان ما متمایل به ادیان پرمدعی

و تو خالی نشوند؟ بایستی بپذیریم که بسیاری از خانواده های مذهبی، تحت تاثیر برخی از برنامه های صدا و سیما، حجب و حیا و اعتقاد آنها مورد هجوم واقع شده است که امید است با درایت و کنترل دقیق، تجدید نظر شده و مقداری جبران مافات گردد.

ص: 26

چرا شیطان پيله محبين (شيعيان) می شود؟

دليل بی تعهدی و وساوس شیطانی در بین موالیان ائمه اطهار علیهم السلام در مضمون این دو روایت مشهود است: 1- شخصی خدمت حضرت امام صادق علیه السلام

رسید و از دروغ و بی تعهدی نزد دوستانِ حضرتش شکوه کرد و برخلاف آن، راستی و امانتداری را نزد دیگران متداول عنوان کرد. حضرت فرمودند: چون محبین ما وعده بهشت داده شده اند، شیطان از وسوسه آنها غافل نمی شود تا آنها را به سر حدّ ممکن گرفتار عذاب برزخ نماید، ولی دیگران، اگر بیشترین عبادت را بنمایند، و بدون ولایت امیرالمؤمنین و فرزندان معصومش (علیهم السلام) بمیرند، جهنّم جای ابدی آنهاست.

توضیح: طبق آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ

ص: 27

أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ...» (1) که در روز غدیر نازل شد، اعلام شد که با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دین کامل می شود (2). پس عبادت باید براساس الگوهای دین باشد، یعنی با ولایت مولا امیرالمؤمنین و اولاد معصومین آن بزرگوار علیهم السلام و اخلاص در راه پروردگار؛ چرا که اگر عبادت به کمیّت باشد، شیطان در گذشته بیشترین عبادت با سجده های طولانی داشته، ولی خودبرتربینی و دوری از مهر ولایت مولا که در آن عالم به او عرضه شده بود، به سمبل دشمنی و رانده شده از درگاه خداوند تبدیل شد.

ص: 28

1- - سوره مائده، آیه 3.

2- - انتخاب جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خداوند متعال است؛ مردم که از ذات اشخاص خبر ندارند که انتخاب صحیح نمایند.

رفت و سؤال علمی از آن حضرت پرسید؛ حضرت به او پاسخ ندادند، پس جهت دریافت پرسش علمی خود از امام باقر علیه السلام، شخص هم عقیده ای را بطور نقوذی با شیعیان مسافر جهت تشرّف به آنحضرت راهی نمود. سنّی مزبور در بین راه وقتی درستکاری و عبادت با معنویت و خالصانه را از آن شیعیان واقعی می بیند، شیعه می شود؛ به مقصد که رسیدند، همسفرها چون او را نمی شناختند، احتیاط نموده وی را به محضر امام باقر علیه السلام نبردند، امام علیه السلام از آنها پرسیدند همسفرتان کجاست؟ او را بیاورید. وقتی شخص تازه شیعه شده را به محضر امام علیه السلام آوردند، آنحضرت پس از استقبال گرم، از او پرسیدند؛ چه فرقی (معمّایی) بین قبل و بعد (از شیعه شدن) می بینی؟ در پاسخ می گوید: قبلاً (که سنّی بودم)، هرچه نماز می خواندم خسته نمی شدم، ولی حال (که شیعه شده ام) زود خسته و کسل می شوم(1).

ص: 29

1- - بحارالانوار؛ ج 46، ص 304، روایت 54. ضمناً نماز تراویح که حدود 5/1 ساعت طول می کشد معروف است، و شیطان آنها را وسوسه نمی کند به دلیل اینکه بی ولایت است، بدعت و خودساخته است و پاداشی برای آنها ندارد.

با عمل به دستورات دین، روح و جسم خود را بیمه نماییم

آیات قرآن و روایات سلامت جسم، اعصاب و روان را تضمین می کند و راه را برای کشف و اختراعات علمی هموار کرده و در پرتو عمل به روایات، بسیاری از معماها و مشکلات زندگی نیز حل می شود. در حال حاضر برخی از قوانین اسلام در بعضی از کشورهای اروپایی اجرا می شود، حتی بعضی از پزشکان اروپایی از دعاها برای تسکین روحی بیماران (بعنوان بهترین مسکن) استفاده می نمایند، موسیقی را بعنوان آلودگی صوتی و محرک روانی، محدود نموده اند، روزه درمانی و حرکات ظاهری نماز در هر روز و بسیاری موارد دیگر، گویای کامل بودن دین اسلام است.

ص: 30

بعضی از اندیشمندان باتجربه و دقیق، تحت تاثیر یک یا چند کتاب و یا مطالب انحرافی و تبلیغات فراگیر بر ضد اسلام قرار نمی گیرند بلکه منابع اصیل اسلام را تحقیق می نمایند، مثلاً شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از نویسنده بیگانه و کم اطلاع و اشخاصی که اصلاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ندیده اند جستجو نکرده بلکه از زبان اشخاصی که بیشترین معاشرت را با آن بزرگوار داشته اند بررسی می کنند. (1)

دو حکایت دلنشین واقعی در این رابطه

1- یکی از ثروتمندان مشهد که جهت معالجه مهره های پشت گردن، به اروپا رفته بود، دکتر

ص: 31

1- - از نظر عقلی این کار منطقی است چون امکان منحرف کردن از طریق دیگران بسیار است، بعنوان مثال اگر آدرس شخصی را بخواهید بهترین آدرس آن است که از خود او یا نزدیک ترین شخص به او گرفته شود.

مربوطه از او سؤال می نماید، مسلمان هستی؟ بیمار پاسخ مثبت می دهد، دکتر با قاطعیت به او می گوید: از آن مسلمان هایی هستی که نماز نمی خوانند! چون اگر نماز می خواندی، این مهره ها نباید مشکل داشته باشند، که موجب شگفتی و اعتراف بیمار شده بود. 2- دانشجوی ایرانی در آلمان جهت سینوزیت به دکتر مراجعه و درمان سردرد شدیدش را از دکتر می خواهد. دکتر از او می پرسد مسلمانی؟ پاسخ می دهد بله. دکتر می گوید چطور مسلمان هستی که دستورات پیامبرت را عمل نمی نمایی؟! بیمار مبهوت شده و توضیح می خواهد. دکتر می گوید: مگر پیامبرت دستور نداده که روزی سه بار (در آداب وضو) استنشاق (با آب گرم) بنمایی؟ اگر روزی یک بار انجام می دادی، هرگز سینوزیت نمی گرفتی.

یکی از معجزات اسلام از معجزات شرع مقدس اسلام این است که دستورات دین، محدودیت زمانی ندارد و برای ده ها قرن آینده نیز در پرتو عمل به آنها، سلامت جسمی و روحی شخص و جامعه تضمین می شود. یک نمونه آن وجوب داشتن حجب و حیا برای بانوان، و حرمت خنده و ارتباط ساده با نامحرم حتی فامیل می باشد. چه بسا یک ارتباط کوچک و ساده، زمینه ساز ارتباط های بزرگ و خطرناک و در نهایت منجر به عضویت در باندهای فساد، و ابتلا به اعتیاد، ایدز و ارتکاب جرم و جنایات فراگیری که خیلی از جوانان را به رسوایی و نابودی سوق داده و هر روز مظاهر گوناگون آن را شاهد بوده و هستیم. همچنین بی بند و باریها موجب بالارفتن صعودی سن

ازدواج(1) و سست شدن بنیادهای خانواده و در نتیجه تهدید امنیت اجتماعی می شود. چادر و روسری در خارج، نشانه مسلمان بودن است، این نشانه، در شیعه خانه اینطور باید دستخوش تبدیل، تغییر و تحریف گردد؟! پسران به شکل دختران، دختران به شکل پسران درآیند(2)؟! این است جایگاه بشری و کرامتی که

ص: 34

1- - اگر دستورات اسلام که تاکید به ازدواج سریع، ساده و هم کفوی ایمانی (جهت توضیح به کتاب نظام خانواده در اسلام و یا بهشت خانواده مراجعه شود) عملی می شد، این وضعیت آشفته را شاهد نبودیم؛ مسئولین و متمولان خیراندیش بیش از پیش باید در سطح وسیع تری چاره اندیشی و احساس مسئولیت نمایند.

2- - متأسفانه بعضی از جوانان ما بازیچه قرار گرفته اند و نمی توانند برای خود شخصیت مستقلی قائل شوند و بایستی به آنها متذکر شویم که شکل ظاهر و مد لباس روز از طریق استعمار انگلیس و یهودیان، برای روی آوردن به زندگی حیوان صفتانه، طراحی و اشاعه می شود تا جوانان را از پیشرفت دین و علم بازدارند. در علائم آخرالزمان، روایاتی در این موضوع آمده است که اکثراً بوقوع پیوسته است، علاقمندان به کتاب های روز رهایی و علائم ظهور مراجعه نمایند.

خداوند به خاطر آن، او را اشرف مخلوقات نامیده است؟! آیا جهت بروز کرامت انسانی، از غریزه های فراگیر حیوانی نباید فاصله بگیریم؟ با این تمدن جامعی که داریم در قبال تمدن پوچ غربی که نتوانسته اند اندیشمندان خود را قانع نمایند، جوانان ساده لوح ما خود را ببازند و بازیچه شوند؟! به جوانان خودباخته باید از برتری تمدن شیعه (1) تعریف نموده و ببالیم و آنها را نصیحت

ص: 35

1- - یک دلیل برتری این است که برخی از جوانان کوتاه فکر ما از روی ناآگاهی غربزده و مسیحی می شوند ولی در عوض، بسیاری از اندیشمندان بزرگ غربی، از روی علم، منطق و تفحص دقیق، به اسلام روی می آورند.

نماییم(1). ما هر الگویی را بپذیریم و ظاهر و باطن خود را مطابق آن نماییم، قطعاً با همان الگو محسوس می شویم. الگوهای منحط غربی و وابسته به آنها که حتماً جهنمی هستند، شما را به وجدانتان قسم! با کدام ادله عقلی و قانع کننده،

ص: 36

1- - والدین دلسوزی که می خواهند نسلشان پاک ادامه یافته، در آینده پشیمانی عارض نشود، نکات زیر را که از فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام است باید دقیقاً عمل نمایند: در کسب حلال بیشتر کوشا باشند، مسائل شرعی را بهتر واقف شوند و از معاملات حرام، وام های ربوی و شبهه ناک دوری گزینند؛ از 5 و 6 سالگی فرزندان را با دستورات دین و احترام به حقوق والدین بصورت مشفقانه آشنا و عامل نمایند تا وقت بلوغ، احکام دین را به درستی درک و لمس نموده باشند؛ نکته مهم آخر این است که از هرگونه عکس ها و فیلم های مهیج (خلاف شرع)، و معاشرت با افرادی که مقید به دین نیستند جلوگیری شدید شود که عمده انحرافات، از معاشرت ها که عمده آنها منفی است، منشأ گرفته شده است.

جوانان ما از آنها پیروی می کنند؟! (1) در اینجا مناسب دیدم این روایت مستند را که در بحارالانوار ثبت شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نمایم که فرمودند: زن بی حیا در نزد من از آب کنار دهان بیمار جذامی پست تر می باشد. حال متوجه می شوید که تاکید فراوان پیشوایان ما (علیهم السلام) بر اینکه خانم ها کمتر از منزل خارج شوند و با نامحرم (حتی فامیل) صحبت نکنند مگر در حد ضرور، برای حفظ حیا و عفت آنها می باشد. البته پرواضح است که زنان بی حیا، کپسولی

ص: 37

1- - اگر عقیده به معاد ندارند، به انتهای حکمت 126 در همین کتاب، مسئله را روشن نموده است. فرمایشات شگفت انگیز مولا امیرالمؤمنین علیه السلام، هر شخص پاک فطرتی را معتقدتر می سازد. علاوه بر این، معجزات فراوان حضرت امام رضا و حضرت ابوالفضل علیهما السلام که حتی مسیحیان و ارامنه به آنها معتقدند، دلیل روشن دیگری بر واقعیت حیات پس از مرگ و حقایق شیعه دارد.

از چرک های بیماری زا می باشند و در انتقال انواع بیماری های سهمگین، نقش بسزایی دارند. موارد متعددی از زنان و مردان گناهکاری که پشیمان شده اند و به درگاه خداوند بسیار مهربان پناه بسته اند و رحمت خدای متعال شامل حالشان شده و زندگی پاک و بامعنوی را جایگزین زندگی تاسف بار قبل نموده اند، در کتاب قصص التوَّابین و کتاب های در رابطه با توبه، ثبت شده است.

شایعه مرموز روایات جعلی

از طرف دشمنان و بیگانگان از دین، این مطلب به جوانان شیعه تلقین شده که بسیاری از روایات، جعلی است تاریخ همه روایات را بزنند؛ با کمال تاسف خیلی از جوانان ما هم که اطلاع صحیحی از دین ندارند و یا معارف دین را از هر جا و هر کتابی (بدون تحقیق) کسب نموده و فکر می کنند همین چکیده ای که در مدارس و دانشگاه

خواننده اند کفایتشان می کند، و متاسفانه برای رفع این شبهات به دین شناسِ دلسوزی مراجعه نمی نمایند و تحت تاثیر این وسوسه های مسموم قرار می گیرند. مگر علمای دلسوز، وظیفه شناس و بااخلاص گذشته (رحمه الله علیهم) بیکار نشسته بودند تا منابع شیعه تصفیه نشده و مشکل دار به نسل بعدی برسد؟! هرگز، بلکه اکثر روایات جعلی از جانب ابوهریره بوده که با پول فراوانی که معاویه در اختیارش گذاشته بود، در منقبتِ دروغین برای خودش و خلفای غاصب، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جعل روایت نموده بود، طبیعی است که اکثر کتابهای شیعه، خالی از روایاتِ ساختگی است؛ و روایات جعلی برای هر شخص عاقلی با اندک توجه، قابل قبول نبوده و خالی از هرگونه معنویت و نورانیت هستند.

جامعیت فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام به حدی است که در ریزه کاری ها نیز ما را رهنمون بوده اند، مثلاً در اعمال جمعه در کلیات مفاتیح تاکید شده که ناخن ها کوتاه شوند که از نظر طبّی ثابت شده میکربهای پشت ناخن بلند، باعث سهولت در ابتلا به بیماری ها می شود. روایت دیگر در حرمت استفاده طلا برای مردها است (1). از نظر دانشمندان ثابت شده که تنظیم گلبولهای خون را مختل نموده، عوارضی در پی دارد. همچنین مستحب است که قبل از خوردن خرما (شیرینی) مقداری نان خورده شود. ثابت شده است که نان روی مینای دندان را می پوشاند و مانع از خوردگی مینا توسط اسیدهای بوجود آمده از شیرینی می شود.

ص: 40

حتی مقدار مصرف آب برای وضو و غسل تعیین شده است؛ مضمون روایت این است که برای وضو بیش از 10 سیر، و برای غسل 3 کیلوگرم آب بیشتر مصرف نشود، در غیر اینصورت اسراف محسوب می شود. (1) این دستور برای همه کارها مد نظر می شود که مصرف متعادل باشد تا حتی ضایع نشده، جامعه با کمبود مواجه نشود. برای مسواک بسیار تاکید شده، ثواب نماز شخص مسواک زده 70 برابر است که از نظر طبّی و بهداشتی مطابقت کامل دارد.

یکی از دلایل مهم اندیشمندان به اسلام

این است که ثابت شده عمل به دستورات دین اسلام که در 1400 سال قبل صادر شده تضمین کننده دائمی سلامت روحی و جسمی است،

ص: 41

و دریافته اند که اسلام جامع ترین و کامل ترین دین دنیاست.

یک نمونه در این رابطه: طبق نظر اسلام، غناء (موسیقی و آهنگ) فقر، بی غیرتی و قساوت قلب می آورد(1)؛ دانشمندان غربی نیز اعلام نموده اند که موسیقی برای روح و روان، اثر بسیار مخرب و زیانباری دارد(2)، حال از رادیو و تلویزیون(3)

ص: 42

-
- 1- - وسائل الشیعه؛ باب تحریم الغناء حتی فی القرآن و تعلیمه و اجرتہ. در حدیث یکم این باب دارد: خانه ای که در آن موسیقی پخش شود از بلا و حوادث بد در امان نیست، دعا مستجاب نمی شود و ملائکه در آن داخل نمی شوند. همه این موارد در اکثر مردم مشهود می باشد، مثلاً وضع بدحجابی رایج شده زنان، از بی غیرتی و بی دینی ناموس آنها سرچشمه گرفته شده که عامل مهم آن موسیقی است.
 - 2- - به کتاب «موسیقی از نگاه دیگر»، و یا «راز موسیقی» مراجعه نمایید.
 - 3- - در فیلم ها، سریالها و اخبار خارجی نسبت به ایرانی از موسیقی کمتری استفاده می شود چون به مضرات موسیقی فراگیر رسیده اند.

گرفته تا هر کوی و برزنی اینطور باید عقده گشایی شود؟! (1) از درصد بالای بیماران روانی در جامعه نباید عبرت گرفته شود؟! آیا سزاست که وقاحت، بی دینی و وابستگی به اجانب را به جایی برسانند که مصیبت های خاندان عصمت علیهم السلام را نیز با وسایل لهو و لعب مخلوط کنند؟! آیا حَقّمان نیست که عذاب نازل شود؟! (2) گناهان ما باعث رنجش خاطر مبارکِ یگانه منجی عالم بشریت بقیّه الله الأعظم حضرت امام زمان

ص: 43

-
- 1- - شخصی که می خواهد معصیت نماید، به وجدان خویش بایستی درک نماید که دیگران مجبور به استفاده از آثار شوم روانی این گناه نیستند، و به معرفتِ خویش، صدای آن را به حداقل می رساند.
 - 2- - بایستی بی تفاوت نبوده، وجدان، تعصّب و غیرتِ دینی بطور علمی و مؤثر برانگیخته شده و نهی از منکر را به عنوان واجب دینی عمل نماییم تا عذاب شامل حال ما نشود.

علیه السلام می شود، اعمال ما که در هر دوشنبه و پنج شنبه به آن بزرگوار عرضه می شود بر گناهان ما گریه می فرمایند! از دشمنان متألم و گریان هستند، از دوستان دیگر چرا؟!

قاعده کلی در تطبیق احکام شرع با دانش جدید

وقتی تطبیق این چند دستور اسلام با علم روز به آگاهی عزیزان رسید، بایستی دیگر دستورات دینی را نیز با اراده قوی عمل نماییم، به این دلیل: الف - افرادی که از اطلاعات دینی و اراده ضعیفی برخوردارند عادت می نمایند که برای هر دستور دینی که می خواهند عمل کنند دلایل را بدانند و پاسخ غیر منطقی افراد بیگانه از دین نیز روی آنها اثر منفی گذاشته و شخص را منحرف و

ص: 44

مرتدّ می نماید. شیطان نیز با فلسفه چینی غلط(1) دستور الهی را گردن نهاد تا با عبادتهای چندهزار ساله از درگاه ایزد متعال رانده شد. ب - احتمال دارد مُغرضان و دشمنانِ دین با یکسری تلقین های ساختگی و مسموم، از عدم تطابق یک دستور اسلام با علوم جدید گزارش دهند و متعاقب آن تمام دستورات دین را مورد سؤال قرار داده و افراد کم اطلاع از دین، تحت تاثیر این سوژه ها قرار گیرند چرا که تحقیق

ص: 45

1- - شیطان به خداوند متعال گفت: من بهتر از آدم هستم، من از آتش خلق شده ام و آدم از خاک. دقّت نمایید که خاک محل رشد و نمو و پرورش و تعالی است ولی آتش اکثراً نابود کننده است؛ فواید خاک بسیار بیشتر از آتش است.

صحیح نمی نمایند. بطور مثال، شما از سه نفر مطمئن آدرسی را تهیه نموده اید، پس از آن یک نفر مشکوک خلاف آن آدرس را به شما ارائه نماید، بدیهی است شما با تعقل صحیح این آدرس مشکوک را با قاطعیّت رد می کنید. ج - وقتی به خاطر خاصیتی که دستور دینی دارد آن را عمل نمودید، اجر و ثواب آن با کسی که مطیع امر الهی است بسیار فرق می کند، بندگی یعنی مطیع کامل، که در حج و در ماه مبارک رمضان جلوه هایی از بندگی خدا نمایان است، فلسفه خیلی از احکام حج هنوز مبهم است، و درس بندگی می دهد.

در نتیجه مطلوب ترین تفکر این است که خداوند متعال، نعمت های فراوان و غیر قابل شمارشی را به ما ارزانی فرموده که ما از عمده آنها غافلیم و بی نهایت مهربان است و مصلحت ما را می داند؛ پس به خاطر تقرب به یگانه خالق هستی، تمام واجبات و ترک محرّمات را که به گردن می نهیم، عمل به مستحبات و ترک مکروهات را نیز تلاش نموده تا رضایت و محبت خداوند متعال را در قلبمان بیشتر نموده و سلامت روح و جسم خود را نیز تضمین نماییم.

هر کتابی را مطالعه نماییم غذای روح مهم تر از غذای جسم است، به این دلیل که روح، اخلاق و فرهنگ ما را شکوفا می سازد. همانطور که برای غذای جسم تحقیق می نماییم تا حلال و سالم باشد، نسبت به غذای روح بایستی در سطح وسیع تری از علمای دین شناس دلسوز تحقیق نماییم تا مسموم العقیده نشویم.

بعضی از کتابهای اعتقادی که توسط افراد متجدد و بیگانه از اصل دین با مطالب ظریف، احساساتی و عوام فریبانه گردآوری و چاپ شده است، خوراک مسموم جهت عقیده بعضی از جوانان به خصوص در دانشگاه ها گردیده (1) که

ص: 47

1- - چون مثل شیرینی 40 گرمی می ماند که از مواد خوبی تهیه شده ولی 4 گرم سم کشنده در آن جاسازی شده و ندانسته عقیده آنها را مسموم می سازد و اگر سریعاً به بهترین نحو درمان نشود هلاک می کند. و یا ظرف بزرگ غذایی را تصور کنید که از بهترین مواد تشکیل شده و یک فضله موش داخل آن بیفتد، آن ظرف بزرگ غذا نجس شده و جایز نیست مصرف شود (بیماری زاست) و همان یک فضله کوچک، همه آن غذاهای باکیفیت بالا را هدر داده است.

نتیجه آن ابتدا گرفتن عقیده است، سپس هر گناه و جرم و جنایتی براحتی برای فرد بی عقیده قابل توجیه است که نتیجه آن بی عفتی، فساد و فحشای فراگیری است که امنیت اجتماعی را مورد تهدید قرار داده و می دهد که اخبار جرائم روزنامه ها و مجلات شاهد این مدعاست. لذا از این وسوسه مشکوک، جدّاً برحذر باشید که هر مطلب اعتقادی را باید بخوانیم و بدانیم؛ هرگز، چون اطلاعات دینی اکثریت ما محدود است و به سرعت تحت تاثیر بعضی مطالب گمراه کننده که با شگرد شیطانیه خاصی عنوان شده قرار می گیریم، و در اعتقادمان رسوخ نموده و مثل غده

ص: 48

سرطانی، ما را از پا در می آورد و جهنمی می سازد. مگر عمر ما چقدر مجال می دهد که علم بیاموزیم؟ پس به نیت پرستش خالصانه پروردگار متعال، علومی که از طرف خداوند است همان علوم شگفت انگیز اهل بیت علیهم السلام است که در اولویت بخوانیم و عمل نماییم و از هر جهت به نفع ماست، یعنی جسم، روح و آخرت خودمان را به حدّ مطلوب و ایده آل برسانیم. این معارف معجزه آفرین به حدی گسترده است که در فتنه های آخرالزمان هم ما را راهنمایی و کفایت از علوم منحط بیگانگان و فلسفه های یونانی و غیره می نمایند که در روایتی از حضرت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) حجّت را بر ما تمام می کند که فرمودند: «طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ

«طلب معارف (دینی) از غیر ما اهل بیت پیامبر علیهم السلام، برابر با انکار ما می باشد».

عزیزانِ حقیقت جو، فقط جهت حلّ مشکلات مادی؛ به ائمه اطهار علیهم السلام متوسّل نشویم، بلکه جهت عقیده مطلوب آن بزرگواران و عاقبت به خیری خود، از آن حجت های الهی، استمداد عاجزانه بنماییم، تا مرهمی برای قلب آزرده آن بزرگواران بوده، سعادت آخرت خود را تضمین نماییم.

معرفی بهترین و کاملترین الگو

در این برهه از زمان که فتنه دامان همه را فراگرفته است، به عزیزانی که می خواهند عاقبت به خیر شوند، این توصیه جدی کافیسست که الگو

ص: 50

فقط چهارده معصوم علیهم السلام، و کسب معارف دینی از کتاب های معتبر و سرچشمه (1)، و تصمیم جدی بر تطبیق همه امور زندگی طبق فرمایشات آن بزرگواران، سپس توسل و استمداد از یگانه منجی عالم بشریت حضرت امام زمان علیه السلام که دین شناس دلسوزی (2) را پیش روی شما بگذارند که در راه

ص: 51

1- - به این دو مثال توجه فرمایید: الف - تصوّر کنید در کنار کوهی هستید که خبری از آب معدنی نیست، تشنه هستید و آب جاری کنار کوه را می بینید، تأمل می کنید و سعی می کنید خود را به سرچشمه و یا نزدیک آن برسانید تا آب زلال تر را نوش جان نمایید.

2- یک سخنرانی را با دقت گوش می کنید، پس از مدتی شخصی همین سخنرانی را بازگو می کند، متوجه می شوید به طور ناخواسته از مطلب اصلی منحرف شده و مطالب کامل و دقیق منتقل نشده است. عزیزان، 14 قرن است روایات دهان به دهان به ما رسیده، اگر به معارف زلالتر با ریسک کمتری بخواهیم برسیم، بایستی از کتاب های مرجع، و علمای گذشته تر استفاده کنیم تا از انحرافات مصون بمانیم.

1- - اگر جدًا این تصمیم را دارید که زندگی هدفداری داشته باشید لازمه اش این است که حداکثر تلاش خود را جهت کسب علم دین همراه با عمل به آن نموده، کتاب حقّ الیقین علامه مجلسی قدس سره جهت اعتقادات، توضیح المسائل فقیه جامع الشرایط را جهت احکام در اولویّت مطالعه نمائید، متوجّه خواهید شد که خیلی از مردم در عمل به دستورات دین غافل و قاصرند و چوب غفلتشان را می خورند و درک نمی کنند؛ ولی برای کسب موفقیّت، بایستی اراده قوی و پشتکار داشته و تحت تاثیر انحرافات دیگران قرار نگیرید. مثل کوه در برابر طعنه ها و مخالفت های دوست و فامیل مقاومت نمائید و اگر نمی توانید روی آنها تاثیر مثبت بگذارید، دوستی را قطع نمائید تا آنها تاثیر منفی روی شما نگذارند؛ و توسّل به ائمه اطهار علیهم السلام را افزایش دهید. اگر خدای نخواست، پدر و مادرتان شما را به زیر پا گذاشتن دستورات دین تشویق می نمایند، مبدا با آنها تندخویی نمائید، بلکه با کمال ادب و احسان، اگر آنها را طبق مشورت با دین شناس دلسوز قانع ننمودید، سعی کنید در عین اینکه دستورات دینی را با تدبیر تمام دقیقاً عمل می نمائید، با آنها ملایمت و احسان نمائید، چرا که در اسلام، احترام و نیکی به والدین بسیار تاکید شده و چه بسیار عزیزانی که با رعایت این نکات اخلاقی، علاوه بر اینکه والدین خود را جذب دین نموده اند، به عنایات فراوانی از جانب حضرت امام زمان علیه السلام نیز رسیده اند.

طبق این آیه شریفه خداوند متعال وانمی گذارد: «کسانی که در راه ما تلاش (تصمیم بر ترک گناه) نمایند، آنها را هدایت نموده و وانمی گذاریم» (1).

ص: 53

1 - - سوره عنکبوت، آیه 69. اگر جوانی با هر گذشته آلوده ای هم که داشته باشد وقتی درست توبه نماید و در راه خدا هر یک قدمی که پیش رود، متوجه خواهد شد که ده قدم به او لطف و عنایت و محبت می شود. در روایتی هست که گناهکار توبه کننده و پشیمان، در نزد خداوند متعال از عابدی که به عبادتش ببالد، مقرب تر و بهتر است؛ خداوند مهربان در قرآن کریم می فرماید: «خداوند توبه کنندگان را دوست می دارد». سوره بقره: 222

در صورتی که واقعا در عمل به دستورات دینی موفق باشیم، وقتی خدای متعال از ما راضی و نزد امام زمان (عجل الله فرجه) روسفید، و راحتی سرای دائمی ما نیز تضمین شده باشد، در این سرای موقتی و زودگذر دنیا اگر دیگران یکسره طعنه و زخم زبان بزنند، آیا ارزش ندارد که تحمل نماییم؟! هرچه مصیبت داشته باشیم به مصیبت ائمه اطهار علیهم السلام که نمی رسد، مگر به آن بزرگواران معصوم، کم اهانت، جسارت و ظلم شد؟ هشدار: بایستی این مسئله مهم را هم بدانیم که طبق چند روایت، با یکسری غفلت ها و بی توجهی ها نسبت به دستورات دینی، از اسلام خارج می شویم، بایستی برای عاقبتمان بین ترس و امید بوده و از خودپسندی برحذر باشیم. یکی از چند مورد، این روایت معروف است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ

فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (1) «کسی که صبح کند و در (رفع مشکلات و گرفتاریهای) مسلمانان همت نگمارد مسلمان نیست». همه می دانیم که درصد بالایی از جمعیت ما زیر خط فقر زندگی می کنند و چه مشکلات، گرفتاری ها، انحراف به ادیان ضالّه، و...!!

آبادی بتخانه زویرانی ماست

جمعیت کفر از پریشانی ماست

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست در مسلمانی ماست

راهکار مهم: شاهد هستیم که ظلم و ستم و بی عدالتی در جای جای کره زمین ریشه دوانده و دامنه آن هر از گاهی توسعه یافته و اکثر قربانیان آن شیعیان (2) و مسلمانان هستند.

ص: 55

1- اصول کافی: باب الإهتمام بأمور المسلمین والنصيحة لهم ونفعهم.

2- حضرت امام زمان علیه السلام (خطاب به شیعیان) فرمودند: ما نظر خود را از شما بر نمی گیریم (که به حال خود وایمانید) و فراموشتان نمی کنیم، اگر چنین نبود گرفتاری ها شما را از پای می انداخت و دشمنان، شما را از بین می بردند. (کتاب مستطاب مکیال المکارم). بایستی توجه داشته باشیم که به عنایت وجود آن بزرگوار است که در ایمنی و آرامش هستیم والا دشمنان، حتی اسمی از شیعه باقی نمی گذاشتند. به دعای آن عزیز مهربان است که دشمنان به جان هم می افتند و انگلیس که برنامه های صدساله می بندد و تاسیس و رونق فرقه ضالّه و هابیت یکی از برنامه هایش می باشد، گاهی به شرّ این فرقه دچار می شود.

تنها راه برای رهایی از ظلم و ستم فراگیر جهانی، ظهور حکومتِ عدل فراگیر مهدوی است که در ادیان مختلف به نام «موعود» ذکر شده است. پس لازم است که از خداوند متعال برای تعجیل ظهور یگانه ذخیره الهی درخواست عاجزانه نماییم، که ظلم و جور فراگیر را تبدیل به عدل و داد فراگیر نماید(1)؛ و دعای مستمرّ ما، دعای

ص: 56

1-- - بایستی توجه شود که همه شبیه های گمراه کننده در رابطه با امام زمان علیه السلام قطعا از طرف دشمنان شیعه است که متاسفانه توسط بعضی از افراد ساده لوح و کم اطلاع از دین، نشر و پخش می شود و در برابر آن حضرت جبهه می گیرند و جارچی دشمنان دین می شوند.

مستجاب آن شخصیت کریم و بزرگوار را برای ما قطعاً به ارمغان خواهد آورد که از فتنه های آخرالزمان نجات یافته، رفع مشکلات شده، و مورد عنایت بیش از پیش آن بزرگوار باشیم؛ و کمتر از آن مسیحیانی نباشیم که طبق روایات علائم آخرالزمان، گروه گروه به حضرت ایمان می آورند و از یاوران آن حضرت می شوند(1). این چند بیت را در اینجا مناسب دیدم:

ص: 57

1- - برای بینش و دوراندیشی وسیع تر، بایستی نشانه های آخرالزمان را از کتاب های معتبر مطلع شویم تا جزء سرافرازان باشیم. کتاب های ترجمه ملاحم و الفتن (جناب سیدین طاوس قدس سره)، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، مهدی منتظر علیه السلام (مرحوم خراسانی) و در آستانه ظهور (علائم حتمی ظهور)، از مهمترین ها می باشند.

یا رب آن مُصلِح کُلِّ، قُطِبِ زَمان را برسان

جان به لب آمده آن جانِ جهان را برسان

ترسم امروزِ منِ خسته به فردا نرسد

رحمتی کن به من آن مونس جان را برسان

ما همه گله بی صاحب و او صاحب ماست

گرگها(1) حمله نمودند، شبان را برسان

شیعه را سرزنش و طعنه اغیار بس است تشنه هستیم، به ما آب روان را برسان

نکت-ه : این مقدمه به اطلاع عزیزانی که رسیده، بدانند

ص: 58

1- - بیشترین هجوم به شیعه در حال حاضر است که سابقه نداشته است، از قبیل هجومه مسیحیت، وهابیت، بهائیت، یهود، صوفیه، زرتشت، لامذهبان، شبهه افکنان نادان خودی و... که تاثیرگذار هم بوده اند. متجددین را می بینیم که بطور سطحی چیزی از دین خوانده و یا شنیده اند و در مورد اسلام اظهار نظر و ایجاد شبهه افکنی نموده و نسیم بی اعتقادی را منتشر می سازند. وقتی از شخصی اعتقادش سلب شود، مثل پر کاهی به هر سو، سوق پیدا می کند و انجام هر گناهی و در نهایت انجام هر جنایتی برایش ساده جلوه می کند.

که طبق آیات، روایات، عقل و عبرت، حجت بر آنها تمام می شود(1)، بایستی تفکر و تحوّل عمیقی در خود بوجود آورده و توصیه ها را دقیقاً عمل نمایند، توفیق کسب علم صحیح و عمل به آن و عاقبت به خیری خویش را در راس دعاها قرار دهند.

دو توصیه قرآنی مهم:

1- نعمت ها و امکانات، ما را مغرور و حقّ به جانب نسازد: هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید، و) آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم؛ تا (کاملاً) خوشحال شدند (و دل به آن بستند)؛ ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم)؛ در این هنگام، همگی مأیوس شدند؛ (و

ص: 59

1- - در سؤال شب اول قبر که برای همه ما خواهد بود، غفلت های مکرر پذیرفته نخواهد شد.

درهای امید به روی آنها بسته شد). (1) 2- تحت تاثیر عملکرد اکثریت قرار نگیرید.

در 38 آیه قرآن آمده است که: اکثر ایمان نمی آورند: (شعراء، آیات: 8، 67، 103، 121، 139، 158) اکثر نمی فهمند: (مائده: 103، عنکبوت: 63)، اکثر نادانند (انعام: 111)، اکثر شکرگذار نیستند (اعراف: 17)، اکثر از حق کراهت دارند «گریزانند» (مؤمنون: 70). همچنین در آیه 106 سوره یوسف خداوند متعال می فرماید: بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مُشْرکند.

در مورد این کتاب

به تبعیت از نهج البلاغه کامل؛ منتخبی از خطبه ها، نامه ها و حکمت ها به ترتیب شماره آمده است. متن عربی خطبه هایی که کمی طولانی است

ص: 60

1- - آیه 44 سوره انعام.

در یکی دو خط مختصر شده است. در ترجمه این منتخب، از نهج البلاغه حجج اسلام فیض الاسلام و دشتی (رحمه الله علیهما) استفاده شده است. به علت اینکه نهج البلاغه مرحوم دشتی در دسترس بیشتری می باشد از شماره خطبه ها و حکمت های نهج البلاغه مرحوم دشتی (1) تبعیت شده است. در انتها، خود را عاری از خطا و لغزش نمی دانم و امیدوارم عزیزان دانا، راهنمائی خویش را دریغ نفرموده و با پیشنهادات و انتقادات کاربردی (2)، مرا یاری فرمایند. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته سید مهدی میلانی

ص: 61

1- - که مطابق با شماره خطبه ها، نامه ها و حکمت ها در نهج البلاغه های علامه جعفری، دکتر شهیدی، شریعت، امامی و آشتیانی می باشد.

2- - به آدرس انتشارات که در ابتدای کتاب آمده مکاتبه فرمایید.

ابتدای خطبه 1: عجز انسان از شناخت ذات خدا

قال امیرالمؤمنین علیه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ، وَ... وَتَدَّ بِالصُّخُورِ مَيْدَانَ أَرْضِهِ. سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند و حساب گران از شمارش نعمت های او ناتوان، و تلاش گران از ادای حق او در مانده اند. خدایی که افکار ژرف اندیش، ذات او را درک نمی کنند و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید. پروردگاری که برای صفات او حدّ و مرزی وجود ندارد و تعریف کاملی نمی توان یافت و برای خدا

وقتی معین و سرآمدی مشخص نمی توان تعیین کرد. مخلوقات را با قدرت خود آفرید، و با رحمت خود بادها را به حرکت درآورد و به وسیله کوه ها اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد.

قسمت دوم از خطبه 1: دین و شناخت خدا

أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ... سرآغاز دین، خداشناسی است؛ و کمال شناخت خدا، باور داشتن او، و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست؛ و کمال توحید «شهادت بر یگانگی خدا» اخلاص؛ و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است، زیرا هر صفتی نشان می دهد که غیر از موصوف، و هر موصوفی گواهی می دهد که غیر از صفت است؛ پس کسی که خدا را با صفت مخلوقات تعریف کند،

ص: 63

او را به چیزی نزدیک کرده (همتایی برای خدا تصوّر کرده)، و با نزدیک کردن خدا به هر چیزی، دو خدا مطرح شده؛ و با طرح شدن دو خدا، اجزایی برای او تصوّر نموده؛ و با تصوّر اجزا برای خدا، او را نشناخته است. و کسی که خدا را شناسد به سوی او اشاره می کند و هرکس به سوی خدا اشاره کند، او را محدود کرده، به شمارش آورد. و آن کس که بگوید «خدا در چیست؟» او را در چیز دیگری پنداشته است، و کسی که بپرسد «خدا بر روی چه چیزی قرار دارد؟» به تحقیق جایی را خالی از او در نظر گرفته است، در صورتی که خدا همواره بوده و از چیزی به وجود نیامده است. با همه چیز هست، نه اینکه همنشین آنان باشد؛ و با همه چیز فرق دارد نه اینکه از آنان جدا و بیگانه باشد. انجام دهنده همه کارهاست، بدون حرکت و ابزار و وسیله. بیناست حتی در آن هنگام که

پدیده ای وجود نداشت، یگانه و تنهاست، زیرا کسی نبوده تا با او انس گیرد و یا از فقدانش وحشت کند.

انتهای خطبه 23: ضرورت تعاون با خویشاوندان

... لِسَانُ الصَّادِقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ... نام نیکی که خدا از شخصی در میان مردم رواج دهد بهتر از میراثی است که دیگری بردارد.

آگاه باشید! مبادا از بستگان تهیدست خود رو برگردانید، و از آنان چیزی را دریغ دارید، که نگاه داشتن مال دنیا، زیادی نیارورد و از بین رفتنش کمبودی ایجاد نکند. آن کس که دست دهنده خود را از بستگانش بازدارد، تنها یک دست را از آنها گرفته اما دست های فراوانی را از خویش دور کرده است؛ و کسی که پر و بال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت.

ص: 65

وَإِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ... وَلَا يُعْطَى الْبَقَاءَ مَنْ أَحَبَّهُ. شُبُهَه را برای این شُبُهَه نامیدند که شبیه و مانند حق است (هرکس نمی تواند میان حق و باطل تمیز دهد)، پس نور هدایت کننده دوستان خدا در شبّهات، یقین (ایمان و اعتقاد قوی) است و راهنمای آنان مسیر هدایت الهی است. اما دشمنان خدا، دعوت کننده شان در شبّهات گمراهی است و راهنمای آنان کوری و سرگردانی است (که بسبب آن پیروان خود را در دنیا بدبخت و در آخرت به عذاب الهی گرفتار می سازند). آن کس که از مرگ بترسد بالاخره نجات و رهایی از آن نمی یابد، و آن کس که زنده ماندن را دوست دارد برای همیشه در دنیا نخواهد ماند (بنابراین شایسته است که شخص به زندگی موقّتی دنیا دل نبندد و از مرگ و پیکار در راه خدا برای نصرت دین رونگرداند).

رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى، وَ... تَزَوَّدَ مِنَ الْعَمَلِ.

خدا رحمت کند کسی را که چون سخن حکیمانه بشنود، خوب فراگیرد، و چون هدایت شود بپذیرد، دست به دامن هدایت کننده زند و نجات یابد. مراقب خویش در برابر پروردگار باشد. از گناهان خود بترسد، خالصانه گام بردارد، عمل نیکو انجام دهد، ذخیره ای برای آخرت فراهم آورد و از گناه پرهیزد. همواره اغراض (هدف های) دنیایی را از سر دور کند، و درجات آخرت را به دست آورد، با خواسته های دل مبارزه کند، آرزوهای دروغین (خیال پرستی) را طرد و استقامت را مرکب نجات خود، و تقوا را زاد و توشه روز مُردن قرار دهد. در راه روشنِ هدایت قدم بگذارد، و از راه روشن هدایت

فاصله نگیرد. چند روز زندگی دنیا را غنیمت شمارد و پیش از آن که مرگ او فرارسد خود را آماده سازد، و از اعمال نیکو، توشه آخرت برگیرد. (1)

خطبه 81: تعریف زهد و پارسایی

أَيُّهَا النَّاسُ الرَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ، وَ... كُتِبَ بَارِزُهُ الْعُدْرِ وَأَصِحَّهِ. اِی مردم، زهد یعنی کوتاه کردن آرزو، و شکرگزاری برابر نعمت ها، و پرهیز در برابر محرّمات. پس اگر نتوانستید همه این صفات را فراهم سازید، تلاش کنید که حرام بر صبر شما غلبه

ص: 68

1- - از خداوند متعال عاجزانه می خواهیم که توفیق عمل به این مواردی که مولا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند را به ما عطا فرماید تا از دعای آنحضرت نیز (طبق این خطبه) بهره مند گردیم؛ چون دعای ائمه علیهم السلام مستجاب است.

نکند، و در برابر نعمت ها، شکر یادتان نرود. چه اینکه خداوند با دلایل روشن و آشکار، عذرها را قطع، و با کتاب های آسمانی روشنگر، بهانه ها را از بین برده است.

قسمت 7 از خطبه 83: راه های پندپذیری

جَعَلَ لَكُمْ أَسْمَاعًا لِيَتَعَى... أَوْ نَفَعَتِ النَّوَاحِبُ؟! خدا گوش هایی برای پند گرفتن از شنیدنی ها، و چشم هایی برای کنار زدن تاریکی ها، به شما بخشیده است، و هر عضوی از بدن را اجزاء متناسب و هماهنگ عطا فرموده تا در ترکیب ظاهری صورت ها و دوران عمر با هم سازگار باشند. با بدن هایی که منافع خود را تامین می کنند، و قلب هایی که روزی (مواد غذایی) را به سراسر بدن با فشار می رسانند، و از نعمت های شکوهمند خدا

ص: 69

برخوردارند، و در برابر نعمت‌ها شکرگزارند، و از سلامت خدادادی بهره‌مندند. مدّت زندگی هر یک از شماها را مقدر فرمود، و از شما پوشیده‌داشت، و از آثار گذشتگان عبرت‌های پندآموز برای شما ذخیره کرد. لذّت‌هایی که از دنیا چشیدند، خوشی‌ها و زندگی‌راحتی که پیش از مرگ داشتند، سرانجام دست مرگ‌گریبان آنها را گرفت و میان آنها و آرزوهایشان جدایی افکند. آنها که در روز سلامت، چیزی برای خود ذخیره نکردند، و در روزگاران خوش‌زندگی، عبرت نگرفتند. آیا خوشی‌های جوانی را جز ناتوانی‌پیری در انتظار است؟ و آیا سلامت و تندرستی را جز حوادث بلا و بیماری در راه است؟ و آیا آنان که زنده اند جز فنا و نیستی را انتظار دارند؟ با اینکه هنگام جدایی و تپش دل‌ها نزدیک است که سوزش درد را چشیده، و شربت غصّه را نوشیده، و

فریاد یاری خواستن برداشته، و از فرزندان و خویشاوندان خود، درخواست کمک کرده است. آیا خویشاوندان می توانند مرگ را از او دفع کنند؟ و آیا گریه و زاری آنها نفعی برای او (شخص فوت شده) دارد؟

قسمت 8 از خطبه 83: عبرت از مرگ

وَقَدْ غُوِّدِرَ فِي مَحَلِّهِ الْأَمْوَاتِ رَهِينًا، وَ... أَهْوَالِهِ. اورا در سرزمین مردگان می گذارند، و در تنگنای قبر تنها خواهد ماند. حشرات درون زمین، پوستش را می شکافند، و خشت و خاک گور، بدن او را می پوساند. تندبادهای سخت، آثار او را نابود می کند، و گذشت شب و روز، نشانه های او را از میان برمی دارد. بدن ها، پس از آن همه طراوت، متلاشی می گردند، و استخوان ها بعد از آن همه سختی و مقاومت، پوسیده می شوند، و ارواح در گرو سنگینی

ص: 71

بار گناهانند، و در آنجاست که به اسرار پنهان یقین می کنند؛ اما نه بر اعمال درستشان چیزی اضافه می شود و نه از اعمال زشت می توانند توبه کنند. آیا شما فرزندان و پدران و خویشاوندان همان مردم نیستید که برجای پای آنها قدم گذاشته اید و از راهی که رفتند می روید؟ و روش آنها را دنبال می کنید؟ اما افسوس که دل ها سخت شده، پند نمی پذیرد، و از رشد و کمال بازمانده، و راهی که نباید برود می رود. گویا آنها هدف پندها و اندرزها نیستند و نجات و رستگاری را در به دست آوردن دنیا می دانند. بدانید که باید از صراط عبور کنید، گذرگاهی که عبور کردن از آن خطرناک است، با لغزش های پرت کننده، و پرتگاه های وحشت زا، و ترس های پیاپی!

فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً... كَفَى بِالْكِتَابِ حَاجِجًا وَخَصِيمًا! از خدا چون خردمندی بترسید که دل را به تفکر مشغول داشته، و ترس از خدا بدنش را فراگرفته، و شب زنده داری خواب از چشم او ربوده، و به امید ثواب (بخشش و گذشت خداوند متعال)، گرمی روز را با تشنگی گذرانده، با پارسایی شهوات را کشته، و نام خدا زبانش را همواره به حرکت درآورده است. ترس از خدا را برای ایمن ماندن در قیامت پیش فرستاده، از تمام راه ها جز راه حق چشم پوشیده، و بهترین راهی که انسان را به حق می رساند می پیماید. چیزی او را مغرور نساخته، و مشکلات و شُبُهَات (فتنه ها) او را نابینا نمی سازد. مژده بهشت، و زندگی کردن در آسایش و نعمت

سرای جاویدان و ایمن ترین روزها، او را خشنود ساخته است. با بهترین روش از گذرگاه دنیا عبور کرده، توشه آخرت را پیش فرستاده، و از ترس قیامت در انجام اعمال صالح پیش قدم شده است، ایام زندگی را با شتاب در اطاعت پروردگار گذرانده، و در فراهم آوردن خشنودی خدا با رغبت تلاش کرده، از زشتی ها فرار کرده، امروز رعایت زندگی فردا کرده، و هم اکنون آینده خود را دیده است. پس بهشت برای پاداش نیکوکاران سزاوار و جهنم برای کیفر بدکاران مناسب است، و خدا برای انتقام گرفتن از ستمگران کفایت می کند، و قرآن برای حجّت آوردن و دشمنی کردن (با ستمگران)، کافی است.

أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي أَعْتَدَ بِمَا نَهَجَ، وَ... حَذَرَ مَا أَمَّنَ. سفارش می‌کنم شما را به پرهیزکاری از خدا، خدایی که با ترساندن های مکرر، راه عذر را بر شما بست، و با دلیل و برهان روشن، حجت را تمام کرد، و شما را پرهیز داد از دشمنی که پنهان در سینه ها راه می‌یابد، و آهسته در گوش ها راز می‌گوید، گمراه و پست است، وعده های دروغین داده، در آرزوی آنها به انتظار می‌گذارد، زشتی های گناهان را زینت می‌دهد، گناهان بزرگ را کوچک می‌شمارد، و آرام آرام دوستان خود را فریب داده، راه رستگاری را بر روی دربندشدگان می‌بندد، و در روز قیامت آنچه را که زینت داده انکار می‌کند، و آنچه را که آسان کرده، بزرگ می‌شمارد، و از آنچه که پیروان خود را ایمن داشته بود سخت می‌ترساند.

عِبَادَ اللَّهِ، أَيْنَ الَّذِينَ عُمِّرُوا فَتَعَمُّوا، وَ... أَخَذَهُ الْعَزِيزُ الْمُقْتَدِرِ. ای بندگان خدا! کجا هستند آنان که سالیان طولانی در نعمت های خدا عمر گذراندند؟ تعلیمشان دادند و دریافتند، مهلتشان دادند(ولی غافل بودند) و بیهوده روزگار گذراندند، از آفات و بلاها دورشان داشتند، اما فراموش کردند، زمان طولانی آنها را مهلت دادند، نعمت های فراوان بخشیدند، از عذاب دردناک پرهیزشان دادند، و وعده هایی بزرگ از بهشت جاویدان، به آنها دادند(ولی خود را به دنیا مشغول کردند). ای مردم! از گناہانی که شما را به هلاکت افکند، از عیب هایی که خشم خدا را در پی دارد، پرهیزید، دارندگان چشم های بینا، و گوش های شنوا، و

سلامتِ (جسمی) و کالای دنیا (مال و فرزند)! آیا گریزگاهی هست؟ یا رهایی و جای امنی، پناهگاهی و جای فراری هست؟ آیا بازگشتی برای جبران وجود دارد؟ نه چنین است؟ پس کی باز می‌گردید؟ به کدام سو می‌روید؟ و به چه چیز مغرور می‌شوید؟ همانا بهره‌هرکدام شما از زمین به اندازه طول و عرض قامت شماست! آنگونه که خاک آلود بر آن خفته باشد. ای بندگان خدا! هم اکنون به اعمال نیکو پردازید، تا ریسمان‌های مرگ بر گلوی شما سخت نشده، و روح شما برای کسب کمالات آزاد است، و بدن‌ها راحت، و در حالتی قرار دارید که می‌توانید مشکلات یکدیگر را حل کنید. هنوز مهلت دارید، و جای تصمیم و توبه و بازگشت از گناه باقی مانده است. عمل کنید پیش از آن که در شدت تنگنای وحشت و ترس و نابودی قرار گیرید، پیش از آن که مرگ در انتظار آن می‌باشد، فرارسد، و دست

قدرتمندِ خدایِ توانا شما را برگیرد. (وقتی که امام علیه السلام این خطبه را ایراد فرمود، بدن ها به لرزه درآمد، اشک ها سرازیر و دل ها ترسان شد که جمعی آن را غرّاء نامیدند).

قسمت آخر خطبه 86: یادآوری ارزش های اخلاقی

عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّ أَنْصَحَ النَّاسِ لِنَفْسِهِ... مَغْرُورٌ. ای بندگان خدا! آن کس که نسبت به خود خیرخواهی او بیشتر است (به فکر سفر دائمی خویش بیشتر است)، در برابر خدا، از همه کس فرمانبردارتر است، و آن کس که خویشتن را بیشتر می فریبد، نزد خدا گناه کارترین انسان ها است. زیانکار واقعی کسی است که خود را بفریبد. و آن کس مورد غبطه است و بر او رشک می برند که دین او سالم باشد، و شقاوتمند کسی است که فریب هوا

ص: 78

و هوس ها را بخورد. آگاه باشید! همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می سپارد، و شیطان را حاضر می کند. از دروغ برکنار باشید که با ایمان فاصله دارد. راستگو، در راه نجات و بزرگواری است، اما دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است. حسد نورزید که حسد، ایمان را مثل آتشی که هیزم خاکستر کند، نابود می سازد، با یکدیگر دشمنی و کینه توزی نداشته باشید که نابودکننده هر چیزی (مادی و معنوی) است. بدانید که آرزوهای دور و دراز عقل را غافل و یاد خدا را به فراموشی می سپارد. آرزوهای ناروا را دروغ انگارید که آرزوها فریبنده اند و صاحبش فریب خورده است.

ص: 79

عِبَادَ اللَّهِ! زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُؤْزَنُوا، وَ... لَا زَاجِرٌ وَلَا وَاعِظٌ. بندگان خدا! خود را بسنجید قبل از آن که مورد سنجش قرار گیرید، پیش از آن که حسابتان را برسند، حساب خود را برسید، و پیش از آن که راه گلو گرفته شود نفس راحت بکشید، و پیش از آن که با زور شما را به اطاعت وادارند، فرمانبردار باشید. بدانید، همانا آن کس که خود را یاری نکند و پنددهنده و هشدار دهنده خویش نباشد، دیگری هشدار دهنده و پنددهنده او نخواهد بود.

أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَصْبِحُوا مِنْ.... بِاللَّيْلِ بَعْدَ التَّأْهِی.

ای مردم! چراغ دل را از نور گفتار گوینده با عمل، روشن سازید و ظرف های جان را از آب زلال چشمه هایی که از آلودگی ها پاک است، پر نمایید. ای بندگان خدا! به نادانی های خود تکیه نکنید، و تسلیم هوای نفس خویش نباشید، که چنین کسی بر لبه پرتگاه قرار دارد، و بار سنگین هلاکت و فساد را بر دوش می کشد، و از جایی به جای دیگر می برد، تا آنچه را که ناچسب است بچسباند، و آنچه را که دور می نماید نزدیک جلوه دهد. خدا را، خدا را، مبادا شکایت نزد کسی برید که نمی تواند آن را برطرف سازد، و توان گر گشایی از کارتان ندارد.

همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید، و آن، کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیرخواهی، زنده نگهداشتن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان، رساندن سهم های بیت المال به طبقات مردم است. پس در فراگیری علم و دانش پیش از آن که درختش بخشکد تلاش کنید، و پیش از آن که به خود مشغول گردید از معدن علوم (اهل بیت علیهم السلام) دانش استخراج کنید. مردم را از حرام و منکرات بازدارید، و خود هم مرتکب نشوید، زیرا دستور داده شدید که ابتدا خود محرمات را ترک و سپس مردم را بازدارید.

قسمتی از خطبه 140: پرهیز دادن از غیبت و بدگویی

... فَكَيْفَ بِالْعَائِبِ الَّذِي عَبَّ أَخَاهُ وَ... بِهِ غَيْرُهُ. ... چگونه می شود آن کسانی که خود مبتلا به

عیب های گوناگون هستند گناهان دیگران را برملا سازند، آیا این عیب گو به یاد نمی آورد آن گناهی را که بزرگتر از گناه عیب شونده بود مرتکب شد و خداوند آن را پوشاند و چگونه گناهکاری را مذمت می کند که خود مرتکب آن گناه می شود. پس اگر عیب گو مانند آن گناه را انجام ندهد پس گناهی بزرگتر و غیر از آن را انجام داده است. به خدا سوگند اگر عیب جو گناه کوچکتری را مرتکب شده، همانا جرات داشتن بر عیب مردم گفتن خود بزرگترین گناه است. ای بنده الهی بر گفتن عیب کسی که مرتکب گناهی شده عجله مکن، شاید آن بخشیده شده باشد، و خودت را از معصیت کوچک در امان ببین، شاید که به خاطر آن، مورد عذاب واقع شوی، پس کسی که به عیب دیگری علم پیدا کرد به خاطر این که می داند خودش نیز دارای عیبی است از گفتن عیب دیگران خودداری نماید و شکرکردن برای

محفوظ ماندن از گناه، او را از توجه به گناهی که دیگری به آن مبتلا شده باز می‌دارد.

قسمت 2 از خطبه 145: نکوهش از بدعت‌ها

وَمَا أُحْدِثْتُ بِدَعَةٍ إِلَّا تَرَكْتُ بِهَا سُنَّةً... إِنَّ مُحَدِّثَاتِهَا شِرَارُهَا. هیچ بدعتی پایه‌گذاری نشد، مگر این که سنتی ترک شد، پس از بدعت بپرهیزید و ملزم به رفتن راه راست باشید چرا که نیکوترین امور باثبات‌ترین و ریشه‌دارترین آنهاست و بدترین آنها بدعت‌های بدون ریشه است (که آینده آن روشن نیست).

ص: 84

أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا.... كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ!

بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی «عجل الله فرجه») که فتنه های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می نهد..... سالهای طولانی در پنهانی از مردم به سر می برد، آن چنان که اثرشناسان، اثر قدمش را نمی شناسند، گرچه در یافتن اثر و نشانه ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه ها آماده می گردند، و مثل شمشیر صیقل می خورند. دیده هاشان با قرآن روشنایی گیرد، و در گوش هاشان تفسیر قرآن طنین افکند، و در صبحگاهان و شامگاهان جام های حکمت سر می کشند.

... إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَ.... خَالَفَ مَنْ خَالَفَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ... انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد، پس به درستی نگریست و آگاه شد و از عبرت ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود، و از افتادن در پرتگاه ها، و گم شدن در کوره راهها، دوری کرد، و کوشید تا عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد، که در حق سختگیری کند، یا در سخن حق تحریف روا دارد، یا در گفتن سخن راست بترسد، پس بهوش باش ای شنونده! و از خواب غفلت بیدار شو، و از شتاب خود کم کن، و در آنچه از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله برتورسیده اندیشه کن، که ناچار به انجام آن می باشی و راه فراری وجود ندارد، و با کسی که رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه و آله را

به کار نمی بندد و به جانب دیگری تمایل دارد مخالفت کن...

قسمت 2 از خطبه 182: راه های خدانشناسی

لَمْ يُولَدْ سَبَّحَانَهُ... وَمَا تَحْمِلُ الْأُنثَى فِي بَطْنِهَا. خدا از کسی متولد نشد تا در عزت و توانایی دارای شریک باشد؛ فرزندی ندارد تا وارث او باشد، وقت و زمان از او پیشی نگرفت، و زیادی و نقصان در او راه ندارد؛ خدا با نشانه های تدبیر استوار، و خواسته های حکیمانه در خلق نظام احسن، در برابر غفلت ها، آشکارا جلوه کرده است. از نشانه های آفرینش او، خلقت آسمان های پابرجا، بدون ستون و تکیه گاه است. آسمان ها را به اطاعت خویش دعوت و آنها بدون درنگ اجابت کردند، اگر اقرار آسمان ها به پروردگاری او، و اعترافشان در

ص: 87

اطاعت و فرمانبرداری از او نبود، هرگز آسمان ها را محل عرش خویش و جایگاه فرشتگان، و بالارفتن سخنان پاک و اعمال نیک و صالح بندگانش قرار نمی داد. ستارگان را نشانه های هدایتگر برای بیابان ماندگان سرگردان قرار داد، تا به وسیله آنها راهنمایی شوند، ستارگانی که پرده های تاریک شب مانع نورافشانی آنها نمی گردد، و نمی تواند از نورافشانی و تالؤلؤ ماه در دل آسمان جلوگیری کند. پس پاک است خدایی که پوشیده نیست بر او سیاهی تیره و تار بر روی ناهمواری های زمین، و قله های کوتاه و بلند کوه ها، و نه غرش رعد در کرانه آسمان، و نه درخشش برق در لابلای ابرها، و نه وزش بادهای تند و طوفان، و نه ریزش برگ ها بر اثر بارش باران، و نه محل سقوط قطرات باران، و نه مسیر کشیده شدن دانه ها به وسیله مورچگان، و نه غذاهای کوچک نادیدنی پشه ها، و نه آنچه که در

شکم حیوانات ماده در حال رشد است (خدا به همه آنها آگاه است).

قسمت 5 از خطبه 183: روش استفاده از دنیا

فَاللّٰهِ-اللّٰهُ، مَعْشَرَ الْعِبَادِ، وَ... تَكُونُوا مَعَ جِيرَانِ اللّٰهِ فِي دَارِهِ... پس خدا را! خدا را! ای جمعیت انسان ها پروا کنید! (از خدا بترسید)، حال که شما که سالم هستید نه بیمار و در گشایش و آزادی هستید نه در تنگی، پس تلاش کنید در آزاد کردن گردنتان قبل از اینکه آن را به غُل و زنجیر کشند. چشم هایتان را به شب زنده داری عادت دهید و شکم هایتان را به پر خوری عادت مدهید و قدمهایتان را به کار خیر وادارید و اموالتان را ببخشید، از جسمتان بگیرید و آن را به جانتان

ص: 89

بخشش کنید، و در این کار بخل مورزید، که خداوند سبحان فرموده: «اگر خدا را یاری کنید خدا نیز شما را یاری می کند و قدم هایتان را ثابت نگه می دارد» و فرمود: «چه کسی است که برای خدا قرض بدهد، قرضی نیکو که خداوند آن را دو برابر می گرداند و برای او اجری بزرگ است». خداوند از روی ذلت از شما یاری نمی خواهد و به خاطر مال کم از شما قرض نمی خواهد، در حالی از شما کمک خواسته که لشکریان آسمانها و زمین تحت فرمان اوست و خزینه های آسمانها و زمین برای اوست و او بی نیاز و ستوده است. اراده کرده است که شما را آزمایش نماید که کدامتان عملش نیکوتر است. پس با اعمالتان در کارهای خیر اقدام کنید تا در خانه الهی همسایه خداوند باشید...

قسمتی از خطبه 203: آخرت گرایی

.... لِغَيْرِهَا خُلِقْتُمْ.... فَيَكُونُ فَرَضًا عَلَيْكُمْ. ... برای غیر دنیا آفریده شده اید. بدرستی که شخص وقتی مُرد، مردم گویند از خود چه باقی گذاشت؟ و ملائکه گویند چه پیش فرستاد؟ خداوند پدرانتان را بیامرزد، مقداری جلوتر بفرستید که برای شما پیش خداوند قرض می باشد و همه را باقی مگذارید که باید روز قیامت جوابگوی آن باشید.

قسمت یکم از خطبه 223 هشدار از غرور زدگی ها

أَذْحَضُ مَسْئُولٍ حُجَّةً، وَ... بِمَعَاصِيهِ مَدَارِجَ سَطَوَاتِهِ!

برهان گناهکار، نادرست ترین برهان ها است،

ص: 91

و عذرش از توجیه هر فریب خورده ای بی اساس تر، و خوشحالی او از عدم آگاهی است. ای انسان! چه چیز تو را بر گناه جرأت داده و در برابر پروردگارت مغرور ساخته؟ و بر نابودی خود علاقه مند کرده است؟ آیا بیماری تو را درمان نیست و خواب زدگی تو بیداری ندارد؟ چرا آنگونه که به دیگران رحم می کنی، به خود رحم نمی کنی؟ (1) چه بسا کسی را در آفتاب سوزان می بینی، بر او سایه می افکنی یا بیماری را می نگری که سخت ناتوان است، از روی دلسوزی بر او اشک می ریزی،

ص: 92

1- - این رهنمود امام علیه السلام ثابت می کند که انسان باید در پرتو وحی الهی و عمل به دستورات خداوند بزرگ به کمال واقعی برسد، پس خود اصالت ندارد، که هر چه بخواهد انجام دهد، چون خود را نمی شناسد. و انسان موجودی ناشناخته است، نمی تواند برای خود دستورالعمل زندگی (کاتالوگ) بنویسد، پس او مانع و آگزستانسیالیسم نمی تواند صحیح باشند. طبق نظر مرحوم دشتی.

اما چه چیز تو را بر بیماری خود بی تفاوت کرده و بر مصیبت های خود شکیبیا و از گریه بر حال خویشتن باز داشته است؟ (غافل شده ای) در حالی که هیچ چیز برای تو عزیزتر از جانت نیست! چگونه ترس از فرود آمدن بلا، شب هنگام تو را بیدار نکرده است که در گناه غوطه ور، و در پنجه قهر الهی مبتلا شده ای؟.

قسمت دوم از خطبه 223 چگونه بودن (راهنمایی)

فَتَدَاوْ مِنْ دَاءِ الْفُتْرَةِ..... وَ مَسَاوِيِ الْأَعْمَالِ. پس سستی دل را با استقامت درمان کن، و خواب زدگی چشمانت را با بیداری از میان بردار، و اطاعت خدا را بپذیر، و با یاد خدا انس گیر، و یاد آر که تو از خدا روی گردانی و در همان لحظه او روی

ص: 93

به تو دارد، و تو را به عفو خویش می خواند، و با کرم خویش می پوشاند! در حالی که تو از خدا بریده به غیر او توجه داری! پس چه نیرومند و بزرگوار است خدا! و چه ناتوان و بی مقداری تو، که بر عصیان او جرات داری، در حالی که تو را در پرتو نعمت خود قرار داده، و در سایه رحمت او آرمیده ای. نه بخشش خود را از تو گرفته، و نه پرده اسرار تو را دریده است، بلکه چشم بر هم زدنی، بی احسان خدا زنده نبودی در حالی که یا در نعمت های او غرق بودی، یا از گناهان تو پرده پوشی شد، و یا بلا و مصیبتی را از تو دور ساخته است. پس چه فکر می کنی اگر او را اطاعت کنی؟. به خدا سوگند! اگر این رفتار میان دو نفر که در توانایی و قدرت برابر بودند وجود داشت (و تو یکی از آن دو بودی) تو نخستین کسی بودی که خود را بر زشتی اخلاق، و

نادرستی کردار محکوم می کردی. (1)

قسمت سوم از خطبه 223 دنیا شناسی

وَ حَقًّا أَقُولُ! مَا الدُّنْيَا غَرَّتْكَ،.... هُمْ الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ.

به حق می گویم، آیا دنیا تو را فریفته است؟ یا تو خود فریفته دنیایی؟ دنیا عبرت ها را برای تو آشکار، و تو را به تساوی دعوت کرد. دنیا با دردهایی که در جسم تو می گذارد، و با کاهشی که

ص: 95

1- - نفی تفکر اندیویدوآلیسم (اصالت فرد).

در توانایی تو ایجاد می کند، راستگوتر از آن است که به تو دروغ بگوید، و یا مغرورت سازد. چه بسا نصیحت کننده ای از دنیا را متهم کردی، و راستگویی را دروغگو پنداشتی! اگر دنیا را از روی شهرهای ویران شده، و خانه های درهم فروریخته بشناسی، آن را یادآوری دلسوز، و اندرزدهنده ای گویا می یابی، که چونان دوستی مهربان از تباهی و نابودی تو نگران است. دنیا چه خوب خانه ای است برای آن که که آن را جاودانه نپندارد، و خوب محلی است برای آن کس که آن را وطن خویش انتخاب نکند. سعادت‌مندان به وسیله دنیا، در قیامت، کسانی هستند که امروز از حرام آن می گریزند. (1)

ص: 96

1- - نفی پسی میسم (بدینی و بیزاری از جهان و دنیا) و اثبات هدفداری انسان.

وَاللّٰهُ لَقَدْ رَأٰتُ عَقِيْلًا... وَبِهٖ نَسَّ تَعِيْنُ. به خدا سوگند! برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهیدست شده و از من درخواست داشت تا یک من (سه کیلو) از گندم های بیت المال را به او ببخشم. کودکش را دیدم که از گرسنگی دارای موهای ژولیده، و رنگشان تیره شده، گویا با نیل رنگ شده بودند. پی در پی مرا دیدار و درخواست خود را تکرار می کرد. چون به گفته های او گوش دادم، پنداشت که دین خود را به او واگذار می کنم، و به دلخواه او رفتار و از راه و رسم عادلانه خود دست برمی دارم. روزی آهنی را در آتش گذاختم، به جسمش نزدیک کردم تا او را بیازمایم، پس چونان بیمار از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم: ای عقیل! گریه کنندگان بر تو بگریند، از حرارت آهنی

می نالی که انسانی به بازیچه آن را گرم ساخته است؟! اما مرا به آتش دوزخی می خوانی که خدای جبارش با خشم خود، آن را گذاشته است؟ تواز حرارت ناچیز می نالی و من از حرارت آتش الهی نالم؟

و از این حادثه شگفت آورتر اینکه شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سرپوشیده پر از حلوا داشت، معجونی در آن ظرف بود، چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمّی، یا قی کرده آن مخلوط کرده اند! به او گفتم: هدیه است؟ یا زکات یا صدقه؟ که این دو بر ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله حرام است. گفت: نه، نه زکات است نه صدقه، بلکه هدیه است. گفتم: زنان بیچه مرده بر تو بگریند. آیا از راه دین، وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده، یا جن زده شده ای؟ یا هذیان می گویی؟. به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر

ص: 98

آسمان هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد! و همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده دهان ملخ پست تر است! علی را با نعمت های فناپذیر و لذت های ناپایدار چکار؟ به خدا پناه می بریم از خفتن عقل و زشتی لغزش ها، و از او یاری می جوییم.

ص: 99

إلى محمد بن أبي بكر (رضي الله عنه)، حين قلده مصر: فَأَخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ،..... وَيَفْعَلْ مَا تُنْكِرُونَ». اميرالمؤمنين عليه السلام به محمد بن ابی بکر (هنگامی که او را والی مصر قرار دادند) فرمودند: بالهای محبتت را برای مردم بگشا، و با نرمی و ملایمت با آنها برخورد کن و گشاده رو باش. در نگاه هایت، و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در کنار تو طمع ستم بر ناتوانان را نداشته باشند و ضعیفان از عدل تو مایوس نگردند، زیرا خداوند از شما بندگان درباره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد

پرسید، اگر کیفر دهد شما استحقاق بیش از آن را دارید، و اگر ببخشد از بزرگواری اوست. آگاه باشید ای بندگان خدا! پرهیزکاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند. با مردم دنیا در دنیاشان شریک گشتند، اما مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نکردند، پرهیزکاران در بهترین خانه های دنیا سکونت کردند، و بهترین خوراک های دنیا را خوردند، و همان لذت هایی را چشیدند که دنیا داران چشیده بودند، و از دنیا بهره گرفتند آنگونه که سرکشان و متکبران دنیا بهره مند بودند، سپس از این جهان با زاد و توشه فراوان، و تجارتهای پُرسود، به سوی آخرت شتافتند. لذت پارسایی در ترک حرام دنیا را چشیدند، و یقین داشتند در روز قیامت از همسایگان خدایند، جایگاهی که هرچه درخواست کنند، داده می شود، و هرگونه لذتی در اختیارشان قرار دارد.... و آن کس

که به خدا خوش بین تر است، باید بیشتر از دیگران از کیفر الهی بترسد... برتوسزاوار است که با خواسته های دل مخالفت کرده، و از دین خود دفاع کنی، هرچند ساعتی از عمر تو باقی نمانده باشد، خدا را در راضی نگهداشتن مردم به خشم نیاور، زیرا خشنودی خدا جایگزین هرچیز بوده اما هیچ چیز جایگزین خشنودی خدا نمی شود. نماز را در وقت خودش به جای آر، نه اینکه در بیکاری زودتر از وقتش بخوانی، و به هنگام درگیری و کار آن را تأخیر بیاندازی، و بدان که تمام کردار خوبت در گرو نماز است.

امام هدایتگر، و زمامدار گمراهی، هیچ گاه مساوی نخواهند بود، چنان که دوستان پیامبر صلی الله علیه و آله و دشمنانش برابر نیستند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: بر امت اسلام، نه از مؤمن و نه از مشرک

هراسی ندارم، زیرا مؤمن را ایمانش بازداشته، و مشرک را خداوند به جهت شرک او نابود می‌سازد، من بر شما از هر منافقی که دور و بوده و از لحاظ زبان دانا، که چیزهای نیکو را بیان می‌کند و رفتارش زشت و ناپسند است (منکرات را انجام می‌دهد)، می‌ترسم.

ص: 103

حکمت 2: شناخت ضد ارزش ها

أُزْرَى بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَدَّ عَرَ الطَّمَعِ، وَرَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ ضَرَّةَ، وَهَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ. کسی که طمع (به آنچه در دست مردم است) را روش خویش قرار دهد، خود را پست گردانیده؛ و کسی که گرفتاری و پریشانی خود را آشکار نماید، به ذلت تن داده؛ و کسی که زبانش براو حکمران باشد (بی تأمل و اندیشه هرچه به زبانش آید بگوید که بسا موجب هلاک و تباهی او گردد) نزد خویش خوار است.

الْبُخْلُ عَارٌ، وَالْجُبْنُ مُنْقَصَةٌ، وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفِطْنَ عَنِ حُجَّتِهِ، وَالْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ. بخل و تنگ چشمی ننگ است، ترسو بودن نقص و کاستی است(1)، تنگدستی زیرک را از (بیان) حجت و دلیلش لال می گرداند(همان طوری که توانگری، پست و نادان را گویا می سازد)، و بینوا و بی چیز در شهر خود غریب است(کسی با او رفت و آمد نمی کند).

ص: 105

1-- طبق روایت، خوردن به برای رفع ترس مفید است و خوردن غذای داغ مکروه است(باعث ترسو شدن می شود). حلیه المتقین و طب الأئمة علیهم السلام

حکمت 4: ارزشهای اخلاقی و ضد ارزش ها

الْعَجْزُ آفَةٌ، وَالصَّبْرُ شَجَاعَةٌ، وَالزُّهْدُ تَزْوَةٌ، وَالْوَرَعُ جَنَّةٌ، وَنِعْمَ الْقَرِينُ الرَّضِيُّ. عجز و واماندگی آفت و بیچارگی است (که شخص را از پا در می آورد)، و صبر شجاعت است، و پارسائی ثروت است (پارسا مانند مالدار که به کسی نیازمند نیست به دنیا و کالای آن نیازمند نمی باشد)، و دوری از گناهان سپر است (از عذاب الهی، همانطور که سپر شخص را از شمشیر محافظت می نماید، پرهیزکاری او را از سختی های دنیا و آخرت رهایی می دهد) (1)، و راضی بودن (به قضا و

ص: 106

1- - سختی های دنیا را به خاطر رضای خداوند متعال و راحتی دائمی آخرت تحمل نموده و به جان می خورد. دانشمندان جدیداً ثابت نموده اند اشخاصی که اعتقاد دینی قوی دارند بسیار کمتر مبتلا به سکنه می شوند و مشکلات آنی که بر آنها وارد می شود، با عقیده ای که به آخرت دارند به درستی تحمل می نمایند.

قدر الهی) چه همنشین خویست (آرامش می دهد).

حکمت 6: ارزش رازداری و خوشرویی

صَدْرُ الْعَاقِلِ صَدُوقٌ سِرٌّ، وَالْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ، وَالْأَعْتِمَالُ قَبْرِ الْعُيُوبِ. الْمَسْأَلَةُ خِبَاءُ الْعُيُوبِ، وَ مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخَطُ عَلَيْهِ.
سینه خردمند صندوق راز اوست (عاقل، بیگانه را از راز خود آگاه نمی سازد)، و خوشرویی وسیله دوست یابی (با گشاده روئی می توان دلهای مردم را بدست آورد)، و تحمل سختی ها پوشاننده بدی هاست، پرسش کردن وسیله پوشاندن عیب هاست، و انسان از خودراضی، دشمنانش فراوانند.

ص: 107

حکمت 7: ایثار اقتصادی و آخرت گرایی

الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ، وَأَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصَبُ أَعْيُنِهِمْ فِي آجِلِهِمْ. صدقه داروئی است سودمند و شفا دهنده؛ و اعمال دنیوی بندگان در آخرت جلو چشمشان است (دنیا بسیار موقت و زودگذر است، در عمل به واجبات و ترک محرمات باید بیشترین تلاش را بنمائیم تا در آخرت از کرده خود خشنود باشیم چرا که پشیمانی هیچ سودی نخواهد داشت).

ص: 108

حکمت 8: شگفتی های تن آدمی

إِعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يُنْظَرُ بِشَحْمِهِ، وَيَتَكَلَّمُ بِالْحَمِيمِ، وَيَسْمَعُ بِعَظْمِهِ، وَيَتَنَفَّسُ مِنْ حَرَمٍ!! برای آفرینش این انسان به شگفتی و تعجب آئید(فکر کنید تا به قدرت آفریدگارش پی برید که او را طوری آفریده) که با پیه(چشم) می بیند، و با گوشتی(زبان) سخن می گوید و با استخوانی(گوش) می شنود و از شکافی(بینی) نفس می کشد!!

حکمت 9: شناخت ره آورد اقبال و ادبار دنیا

إِذَا أَقْبَلَتْ الدُّنْيَا عَلَى قَوْمٍ أَعَارَتْهُمْ مَحَاسِنَ غَيْرِهِمْ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُمْ سَلَبَتْهُمْ مَحَاسِنَ أَنْفُسِهِمْ. هرگاه دنیا به گروهی رو آورد نیکوئی های دیگران را به ایشان به عاریه(نسبت) دهد، و هرگاه از

آنها پشت گرداند نیکی هایشان را از آنان می گیرد(وقتی شخصی توانگر شود و به جایی برسد دنیاپرستان نیکوئی ها به او نسبت دهند، و اگر بینوا گردد کمالاتش را هم از یاد می برند).

حکمت 10: روش زندگی با مردم

خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مَثُمَّ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عَشْتُمْ حُنُوا إِلَيْكُمْ. با مردم چنان آمیزش و رفتار نمائید که اگر مُردید بر شما بگریند، و اگر زنده ماندید با اشتیاق سوی شما آیند.

ص: 110

حکمت 11: روش برخورد با دشمن

إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعُقُودَ عَلَيْهِ سُدًّا لِّئَلَّا يُدْرِكَكَ عَلَيْهِ. هرگاه بر دشمن قدرت یافتی پس بخشش و گذشت از او را شکر و سپاس (نعمت) توانائی بر او قرار ده. (در سوره 42، آیه 40 آمده: کسی که از دشمن بگذرد و بین خود و او را اصلاح نماید بر خداست که اجر و پاداش او را عطا فرماید)

حکمت 13: روش استفاده از نعمت ها

إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنْفِرُوا أَقْصَاهَا بِقَلْبِ الشُّكْرِ. چون نشانه های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی نعمت ها را از خود دور نسازید (به اندک

ص: 111

نعمتی که رسیدید شکر کنید تا به بیشتر آن برسید. (سوره 14، آیه 7: اگر شکر نعمت بجا آورید نعمت را بر شما می افزایم، و اگر ناشکری کنید هر آینه عذاب من سخت است) «که گرفتار میشوید».

حکمت 15: روش برخورد با فریب خورده گان

مَا كُلُّ مَفْتُونٍ يُعَاتَبُ. هر گرفتار فتنه و بلائی را نباید سرزنش نمود (بایستی او را کمک نمود و یا حداقل دعا کرد تا رهایی یابد، دیده شده که بعضی با سرزنش بی مورد گرفتاران، دچار همان فتنه و بلا شده اند).

ص: 112

حکمت 24: کفاره گناهان بزرگ

مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ، وَالتَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ. دادرسی ستمدیده و شادنمودن غمگین و بیچاره، از کفاره گناهان بزرگ است (تا خدا درگذرد).

حکمت 25: ترس از خدا در فزونی نعمت ها

يَا بَنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبِّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَأَنْتَ تَعْصِيهِ فَاحْذَرُهُ. هرگاه دیدی خداوند متعال نعمتهایش را پی در پی به تو عطا می فرماید در حالی که تو او را معصیت و نافرمانی می نمائی، پس از (عذاب) او بترس (چون کفران و ناسپاسی موجب انتقام و کیفر است).

ص: 113

حکمت 27: روش درمان دردها

إمّشِ بِدَائِكَ مَا مَشَى بِكَ. با درد خود بساز، چندان که با تو سازگار و همراه است (برای اندک بیماری بستری مشو).

حکمت 28: برترین پارسایی

أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ. نیکوترین زهد (پارسایی)، پنهان داشتن آن است (ریا و خودنمایی، ارزش عمل را از بین می برد). (1)

ص: 114

1- - خدای ناخواسته، حتی اگر یک هزارم برای غیر خدا باشد، خداوند متعال کلّ عمل را نمی پذیرد، فقط صد درصد خالص پذیرفته می شود.

حکمت 30: پرهیز از غفلت زدگی

الْحَذَرَ الْحَذَرَ فَوَاللَّهِ لَقَدْ سَتَرَ حَتَّى كَانَهُ قَدْ غَفَرَ. از (نافرمانی خدا) دوری کنید، بترسید، به خدا سوگند، گناهان را چنان پنهان نموده، گویا آنها را آمرزیده است (همانطور که حلم و بردباریش بسیار است، کیفرش نیز بسیار سخت و هولناک می باشد).

حکمت 33: اعتدال در بخشش و حسابرسی

كُنْ سَمِحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا، وَكُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًا.

بخشنده باش اما زیاده روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت گیر مباش (میانہ رو باش).

ص: 115

حکمت 36: آرزوهای طولانی و بزهکاری

مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلِ. هرکه آرزوهایش طولانی است، کردارش نیز ناپسند است. (زیرا آرزوی دراز سبب غفلت از آخرت است).

حکمت 39: جایگاه واجبات و مستحبات

لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا أَضْرَّتْ بِالْفَرَائِضِ. عمل مستحب، انسان را به خدا نزدیک نمی گرداند، اگر به واجب زیان رساند. (تقرّب با نافرمانی منافات دارد) (1).

ص: 116

1- - مثلاً عمل مستحبی حتی، که آخر شب باعث تاخیر در خواب و قضا شدن نماز صبح شود جایز نیست (سبک شمردن نماز حرام است).

حکمت 46: ارزش پشیمانی و زشتی غرورزدگی

سَيِّئَةٌ تَسُوْءُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ. گناهی که تو را اندوهگین (پشیمان) سازد نزد خدا بهتر است از کارِ نیکی است که تو را به خودپسندی و سرافرازی وادارد (زیرا پشیمانی گناه را برطرف می نماید و خودبینی در کارِ نیک، گناهی است که نیکی ها را از بین می برد).

ص: 117

لَا غِنَى كَالْعَقْلِ، وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ، وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ، وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ. هیچ ثروتی چون عقل (زیرا عقل راه بدست آوردن موفقیت دنیا و آخرت را نشان می دهد)، و هیچ فقری چون نادانی نیست. هیچ ارثی چون ادب (1)، و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست.

ص: 118

1- - اشاره به علم پداگوژی Pedagogy (علم تربیت).

حکمت 57 : ارزش قناعت و خودکفایی

الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَتَفَدُّ. قناعت دارائی است که نابود نمی شود (زیرا قناعت به آنچه رسیده، نیازمندی را دور می سازد).

حکمت 58 : توانگری و شهوت ها

الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ. ثروت، ریشه شهوتهاست.

حکمت 59 : ارزش تذکر دادن اشتباهات

مَنْ حَذَّرَكَ كَمَنْ بَشَّرَكَ. کسی که تو را برحذر دارد (از بدیها بترساند) مانند کسی است که تو را (به خیر و نیکی) مژده دهد (زیرا دفع شر سود است).

ص: 119

حکمت 66 : روش خواستن

فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلِبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا. از دست دادنِ حاجت، بهتر از درخواست کردن از نااهل است. (زیرا از دست رفتن آن اندوهی دارد ولی درخواست از پست و نااهل، روا شود یا نشود موجب شرمندگی است).

حکمت 67 : ارزش اینار اقتصادی

لَا تَسْتَجِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ، فَإِنَّ الْحِرْمَانَ أَقْلُ مِنْهُ.

از بخشیدن اندک شرم مکن، زیرا نومید کردن کمتر از آن (و به شرمندگی سزاوارتر) است.

ص: 120

حکمت 68: ره آورد عفت و شکرگذاری

الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى. پاکدامنی زینت و آرایش بیچیز و درویش است، و سپاسگزاری (از نعمتهای خداوند) آرایش توانگر.

حکمت 69: حفظ روح امیدواری

إِذَا لَمْ يَكُنْ مَا تُرِيدُ فَلَا تُبَلِّ مَا كُنْتَ. اگر به آنچه که می خواستی نرسیدی، از آنچه هستی نگران مباش (زیرا برای نرسیده، اندوه و ناامیدی به خود راه دادن بیخردی است⁽¹⁾)، بلکه از

ص: 121

1- - در غُرُرُ الْحِكَمِ، حدیث 2860 در این رابطه از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام این فرمایش شگفت انگیز است که شاه کلید موفقیت ها می باشد: أَعْظَمُ الْبَلَاءِ، انْقِطَاءُ الرَّجَاءِ. یعنی: بزرگ ترین گرفتاری و مصیبت، ناامیدی است.

امکانات و قابلیت های خویش ببیند چه بهره هایی می تواند ببرد، افراد در سطح پایین تر از خود را بنگرد و شکرگذار باشد).

حکمت 71 : نشانه کمال عقل

إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ. چون عقل به مرتبه کمال رسد گفتار کم گردد.

حکمت 101 : روش برطرف کردن نیازهای مردم

لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ: بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ، وَبِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظْهَرَ، وَبِتَعْجِيلِهَا لِتُهَيَّأَ.

ص: 122

شایسته نیست روانمودن درخواستها مگر به سه چیز، به کوچک شمردن آن تا (نزد پروردگار) بزرگ گردد، پنهان داشتن آن (تا هنگام پاداش) آشکار شود، بشتاب در انجام آن تا (برای خواهنده) گوارا باشد.

حکمت 102: آینده و مسخ ارزش ها

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ... وَ تَدْبِيرِ الْخِصْمَانِ. روزگاری برای مردم خواهد آمد که در آن مقرب نیست مگر سخن چین نزد سلطان، و زیرک خوانده نشود مگر بدکارِ دروغ گو، و ناتوان نشمارند مگر شخص بانصافِ درستکار را، در آن زمان صدقه و انفاق در راه خدا را غرامت و تاوان (مالی که به اکراه می دهند) می شمارند، و صله رحم را منت می نهند (مثلاً می گوید من هستم که چنین و چنان

ص: 123

کردم) و بندگی خدا را سبب فزونی بر مردم می دانند! پس (نتیجه این کردارهای زشت آنست که) در آنهنگام سلطان (در فرمانروائی) به مشورت با کنیزان (زنهای بی سر و پا) و حکمرانی کودکان (جوانان شهوتران بی تجربه) و اندیشه خواجه سراها (مردان نالایق و پست) می باشد.

حکمت 103 : روش برخورد با دنیا

وَقَدْ رُئِيَ عَلَيْهِ إِزَارُ خَلْقٍ مَرْقُوعٍ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَقَالَ: يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ، وَتَدِلُّ بِهِ النَّفْسُ، وَيَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ.

جامه کهنه وصله داری بر تنِ امام علیه السلام دیدند، سبب را پرسیدند، فرمودند: با آن دل، متواضع، و نفس اماره، رام می شود، و مؤمنین از آن پیروی می کنند (با کهنه جامه فروتنی پیشه گرفته و به خواهشهای نفس

بی اعتنا می شود به خلاف جامه نو که شخص را خودبین می سازد و از حق غافل شده در گناه می افتد).

حکمت 106 : ره آورد شوم دین گریزی

لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْوَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضَرُّ مِنْهُ. مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیانبارتر دچار خواهد ساخت. (زیرا بی اعتنائی در امر دین مستلزم دوری از رحمت حق تعالی است).

ص: 125

لَوْ أَحَبَّنِي جَبَلٌ لَتَهَافَّتْ. (درباره گرفتاری دوستداران خود فرمودند): اگر کوهی مرا دوست داشته باشد تگّه تگّه شده فروریزد. (1)

ص: 126

1- - میزان عشق و علاقه به مولا، با عمل به قرآن و دستورات ائمه اطهار علیهم السلام نمایان می شود؛ (مضمون یک حدیث قدسی این است که خدا می فرماید: اگر نارضایتی مؤمنین نبود، بحدی کفار را غرق در دنیا می کردم که دیوار خانه آنها از طلا باشد) کلیات احادیث قدسی». یعنی دنیاخواهی برای کفار، و آخرت برای مؤمنین است؛ ائمه اطهار علیهم السلام که عقل کل هستند، به دنیا روی نیاورده، خود را وقف دیگران نمودند، شیعیان راستین نیز بایستی به پیشوایان خویش اقتدا نموده، به دنیا روی نیاورند تا در آخرت با آن بزرگواران محشور شوند؛ مصداق حکمت 251 است که مولا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: سختی دنیا، راحتی آخرت، و راحتی دنیا، سختی آخرت را در پی دارد).

لا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ، وَ... أُوْتِقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ. سرمایه ای سودمندتر از عقل نیست (زیرا عقل سعادت دنیا و آخرت را دربر دارد)، و هیچ تنهائی ترسناکتر از خودپسندی نیست، و هیچ عقلی چون تدبیر و دوراندیشی نیست (زیرا دوراندیشی راه را آماده و استوار می سازد)، و هیچ بزرگواری مانند پرهیزکاری نیست (زیرا پرهیزکار نزد خالق و خلق عزیز است)، و هیچ همنشینی چون اخلاق خوش نیست (خوی نیکو دلها را بدست آورد)، و هیچ میراثی مانند ادب و آراستگی نیست (آراستگی شخص را محبوب می سازد)، و هیچ رهبری مانند توفیق نیست، و هیچ تجارتی مانند کردار پسندیده نیست، و هیچ سودی مانند پاداش الهی نیست، و هیچ پارسایی چون توقف در جلو شبیه (چیز نامعلوم) نیست (زیرا اقدام در شبیه

به حرام می کشاند)، و هیچ زهدی مانند بی رغبتی در حرام نیست، و هیچ دانشی مانند تفکر و پیش بینی نیست (زیرا بر اثر آن به مبدأ و معاد راه برده از گمراهی برهد، و هیچ عبادتی مانند انجام واجبات نیست، و هیچ ایمانی مانند شرم و شکیبائی نیست (زیرا به این دو ایمان کامل می گردد)، و هیچ بزرگواری و سرفرازی مانند فروتنی نیست (زیرا فروتن را همه از دل دوست دارند)، و هیچ شرافتی مانند دانش (علم دین برای رستگاری) نیست، و هیچ ارجمندی مانند بردباری نیست، و هیچ پشتیبانی استوارتر از مشورت کردن نیست (زیرا مشورت سبب پی بردن به پایان کار و سود و زیان آن است).

حکمت 118: استفاده از فرصت ها

إِضَاعَهُ الْفُرْصَةَ غُصَّةٌ. از دست دادن فرصت (اقدام نمودن به کار در وقت مناسب باعث) غم و اندوه است.

ص: 128

حکمت 119: ضرورت شناخت دنیا

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسُّهَا... ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ.

داستان دنیا مثل داستان مار است که دست بر آن بکشی نرم و در اندرونش زهر کشنده است، فریب خورده نادان بطرف آن می رود، و خردمند دوراندیش از آن دوری می گزیند.

حکمت 126: در نکوهش خواها و کردارهای ناشایسته

عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ... وَعَجِبْتُ لِعَامِرٍ دَارَ الْفَنَاءِ وَتَارِكِ دَارِ الْبَقَاءِ. شگفت دارم برای مرد بخیلی که می شتابد

ص: 129

به فقر و تنگ دستی که از آن گریزان است (زیرا از آنچه دارد سود نمی برد پس با تهی دستان یکسان است) و توانگری را که می جوید از دست می دهد (زیرا از دارائی اش بهره ای نمی برد) پس در دنیا مانند تنگدستان زندگی می نماید و در آخرت مانند توانگران به حسابش می رسند (چون حساب اندوخته را باید پس بدهد) و شگفت دارم برای مغرور و گردنکشی که دیروز نطفه بود و فردا مردار می باشد (که اگر خاک از روی جسدش بردارند مردم از بوی متعفنش می گریزند).

و شگفت دارم برای کسی که در خدا دو دل باشد در حالی که آفریده شده خدا را می بیند (چون نمی شود بی آفریننده ای آفریده شده ای باشد). و شگفت دارم برای کسی که مرگ را فراموش می کند در حالی که می بیند مردمی را که می میرند.

و شگفت دارم برای کسی که زیر بار پیدایش معاد و بازگشت در قیامت نمی رود و حال آنکه پیدایش از نطفه را می بیند. و شگفت دارم برای کسی که خانه نیستی را آباد می کند (برای دنیا تلاش می نماید) و خانه هستی (آخرت) را رها می سازد (در فکر آماده ساختن توشه ای برای آن نیست).

ص: 131

حکمت 127: نکوهش از سُستی در عمل

مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتُلِيَ بِالْهَمِّ، وَلَا حَاجَةَ لِلَّهِ... کسی که در عمل (بندگی خداوند) کوتاهی کند به غم و اندوه دچار شود، و خدا را راهی نیست در کسی که در مال و جانش بهره ای برای خدا نباشد (کسی که از دارائیش در راه خدا ندهد و در ترویج دین او نکوشد امیدوار رحمت او نباشد).

حکمت 129: شناخت عظمت پروردگار

عَظُمُ الْخَالِقِ عِنْدَكَ يُصَغِّرُ الْمَخْلُوقَ فِي عَيْنِكَ. پی بردنت به بزرگی آفریننده، آفریده شده را در چشمت کوچک می نماید (و بر اثر آن، به آفریده شده اعتنا نکرده، همیشه متوجه آفریدگار خود می باشی و سعادت دنیا و آخرت را به دست می آوری).

ص: 132

حکمت 137: صدقه راه ازدیاد روزی

إِنَّ تَنْزِيلَ الرُّزْقِ بِالصَّدَقَةِ، وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ. رسیدن روزی را (از آسمان رحمت) با صدقه دادن بخواهید (چون صدقه سبب رسیدن روزی است)، و کسی که به گرفتن عوض یقین داشته باشد به بخشیدن سخی و جوانمرد است (بخل نمی کند).

حکمت 140: قناعت و بی نیازی

مَا عَالَ امْرُؤٌ اقْتَصَدَ. آنکه میانه روی نماید تهیدست نخواهد شد. (بایستی خرج متناسب با دخل باشد تا به مشکل قرض فراوان، ورشکستگی و بی آبرویی مبتلا نشود).

ص: 133

حکمت 145: عبادت های بی حاصل

كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا... وَإِفْطَارُهُمْ. بسا روزه داری را که از روزه داشتش جز گرسنگی و تشنگی نمی ماند، و بسا نمازگزاری که از ایستادن و نمازگزاردنش جز بیداری و رنج نیست (چون روزه و نماز را طبق دستور انجام نداده)، چه نیک است خواب زیرکان و روزه بازکردن ایشان (چون آنان آنچه کنند بجا و طبق دستور می باشد).

حکمت 153: صبر و پیروزی

لَا يَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ. پیروزی از بردبار جدا نمی شود هرچند روزگار (سختی) به او طول بکشد.

ص: 134

حکمت 154: اهمیت نیت ها

الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ، وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ: إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ، وَإِثْمُ الرِّضَا بِهِ. کسی که به کار گروهی خشنود باشد مانند آن است که با ایشان در آن کار همراه بوده؛ و بر هر عامل باطل دو گناه است، یکی گناه بجا آوردن آن، و دیگری گناه خشنودی به آن (که در نیت و دل است).

حکمت 162: ضرورت رازداری

مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ. هر که سرّ و راز خود را پنهان دارد اختیار آن در دست اوست (خیر و نیکی برای اوست).

ص: 135

حکمت 165: پرهیز از نافرمانی خدا

لا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ. جائی که نافرمانی خدا باشد، اطاعت و پیروی مخلوق سزاوار نیست (در جایی که موجبات معصیت باشد عبادت جایز نیست؛ مانند نماز در زمین غصبی جایز و مقبول نیست).

حکمت 170: ضرورت ترک گناه

تَرَكَ الذَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ. ترک گناه آسانتر از درخواست توبه است.

ص: 136

حکمت 174: ارزش خشم در راه خدا

مَنْ أَحَدَّ سِنَّانَ الْعُصْبِ لِلَّهِ قَوِيَّ عَلَى قَتْلِ أَسْدَاءِ الْبَاطِلِ. آنکس که دندان خشم در راه خدا برهم فشارد (در نهی از منکر بکوشد) بر کشتن باطل گرایان توانمند می شود (خدا او را در شکست اهل باطل هرچند توانا باشند یاری خواهد نمود).

حکمت 175: راه درمان ترس

إِذَا هَبَّتْ أَمْرَأَقَعُ فِيهِ، فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ. هرگاه از کاری ترسیدی خود را در آن بیفکن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی، از خود آن سخت تر است.

ص: 137

حکمت 177: روش برخورد با بدان

أُزْجِرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ. بدکار را به پاداش نیکوکاری (احسان به او) آزار ده (دل او را به دست آور تا بتوانی او را از بد منع کنی).

حکمت 178: روش نابودکردن بدی ها

أُحْصِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرٍ غَيْرِكَ بِقَلْعِهِ مِنْ صَدْرِكَ. بدی را از سینه دیگران، با کندن آن از سینه خود، ریشه کن نما!

حکمت 179: لجاجت و سستی اراده

اللَّجَاجَةُ تَسْلُ الرِّأْيَ. لجاجت، تدبیر را سُست می کند. (عدم انعطاف پذیری به حقیقت، انتخاب برتر را ضعیف می نماید).

ص: 138

حکمت 181: ارزش دوران‌دیشی و پرهیز از کوتاه فکری

ثَمَرَةُ التَّقْرِيبِ النَّدَامَةُ، وَ ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ. حاصل کوتاه فکری پشیمانی، و حاصل دوران‌دیشی و احتیاط، سلامت (رهایی از زیان و ورشکستگی) است.

حکمت 192: پرهیز از زران‌دوزی

يَا بَنَ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ... لِغَيْرِكَ. ای فرزند آدم، آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی، برای دیگران انداخته ای. (محاسبه اش با تو و نفعش با دیگران است).

حکمت 196: عبرت آموزی از زمین خوردن لَمْ يَذْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَظَكَ. غَصَهُ زِيَانٌ مِنْ دَسْتِ دَادِهِ رَا مَخُورٌ، زِيْرَا تُوْرَا

ص: 139

تجربه می آموزد که نفع زیادی دارد. (1)

حکمت 203: یاد مرگ و پرهیزکاری

أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ - الَّذِي إِنْ قُلْتُمْ سَمِعَ... ای مردم، از خدایی بترسید که اگر سخنی بگویید می شنود، و اگر پنهان دارید می داند؛ به عبادت و بندگی، خود را برای مرگ آماده کنید، که اگر بگریزید شما را می یابد، و اگر برجای خود بمانید شما را می گیرد، و اگر فراموشش کنید شما را (با گذشت عمر، ناتوانی، دردها و بیماریها) یاد می آورد.

ص: 140

1- - بسیاری از ثروتمندان بزرگ دنیا، قبلاً سختی های فقر و ورشکستگی را گذرانده و پس از آن با احتیاط، پشتکار و امید، به اوج موفقیت رسیده اند.

حکمت 219: آرزوها آفت اندیشه

أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ. قربانگاه اندیشه ها زیر برق آرزوهاست (طمع آدمی را از آسمان عقل و بزرگواری به پستی و خواری می کشاند).

حکمت 222: بی توجهی به بدی بدکاران

مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ. از بهترین کارهای بزرگواران، خود را بی خبر نمایاندن (از زشتی های دیگران) است.

حکمت 223: حیا و عیب پوشی

مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ تَوْبَهُ لَمْ يَرَ النَّاسُ عَيْبَهُ.

ص: 141

آنکس که لباس حیا بپوشد کسی عیب او را نبیند(عیبی ندارد تا مردم ببینند، یا اگر هم داشته باشد بر اثر حیا از نظر مردم پنهان می نماید).

حکمت 232: نتیجه انفاق

مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرِ يَرْهَقَ بِأَلْيَدِ الطَّوِيلِ. کسی که مال خود را هرچند کم باشد در راه خدا ببخشد، از جانب خداوند متعال بخشش مضاعف به او خواهد رسید.

حکمت 234: تفاوت اخلاقی مردان و زنان

خِيَارُ خِصَالِ النِّسَاءِ... فَرَقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرِضُ لَهَا. بهترین خصلت زنها بدترین خصلت مردهاست که تکبر، بخل، و ترس می باشد، هرگاه

ص: 142

(نسبت به نامحرم) متکبر باشد به کسی جز شوهرش سرفروود نمی آورد، هرگاه بخیل باشد مال خود و شوهرش را نگاه می دارد، و هرگاه ترسو باشد از آنچه به او رو آورد (سوء ظن) و ترس دارد و دوری می گزیند.

حکمت 240: غصب و ویرانی

الْحَجَرُ الْعَصْبُ فِي الدَّارِ رَهْنٌ عَلَى خَرَابِهَا. سنگ غصبی در سرای هرکه باشد گرو ویرانی آن سرا است.

حکمت 241: آینده دردناک ستمکاران

يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ.

ص: 143

روز مظلوم بر ظالم (انتقام رستاخیز) سخت تر است از روز ظالم بر مظلوم (کیفر در قیامت دائمی است).

حکمت 244: مسؤولیت نعمت های الهی

إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا، فَمَنْ أَدَّاهُ زَادَهُ مِنْهَا، وَ مَنْ قَصَرَ فِيهِ خَاطَرَ بَزَوَالِ نِعْمَتِهِ. محققاً خدای تعالی را در هر نعمتی حق سپاسی است، پس هرکه آنرا بجا آورد خدا از آن نعمت او را فراوان دهد، و هرکه از بجا آوردن آن حق کوتاهی کند خدا آن نعمت را در خطر نابودی و زوال اندازد.

ص: 144

حکمت 246: هشدار از پشت کردن نعمت ها

إِحْذَرُوا نِقَارَ النَّعْمِ فَمَا كُلُّ شَارِدٍ بِمَرْدُودٍ. از دور شدن نعمتها (بر اثر کفران) بترسید که هر گریخته ای را بازگشت نمی باشد.

حکمت 250: خدانشناسی در حوادث روزگار

عَرَفْتُ اللَّهَ - سَبَّحَانَهُ بِفَسَاحِ الْعَزَائِمِ، وَ حَلِّ الْعُقُودِ، وَ نَقْضِ الْهَمَمِ. خدا را از سست شدن اراده های قوی، گشوده شدن گره های دشوار، و درهم شکسته شدن تصمیم ها، شناختم.

ص: 145

حکمت 254: تلاش در انفاق های اقتصادی

يَا بَنَ آدَمَ، كُنْ وَصِيًّا نَفْسِكَ، وَاعْمَلْ فِي مَالِكَ مَا تُؤْتِي أَنْ يُعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ. اى فرزند آدم، تو خود وصی خویش باش، و (پیش از مرگ) از مال و دارائیت بده آنچه را که می خواهی که پس از تو بدهند (زیرا از هرکس بخود دلسوزتری).

حکمت 255: تندخویی و جنون

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَدْمُ، فَإِنْ لَمْ يَدْمُ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكِمٌ. تندخویی بی مورد نوعی دیوانگی است، زیرا که تندخو، پشیمان می شود، و اگر پشیمان نشد، پس دیوانگی او پایدارست.

حکمت 264: نیکی به بازماندگان دیگران

أَحْسِنُوا فِي عَقِبِ غَيْرِكُمْ تَحْفَظُوا فِي عَقِبِكُمْ. به بازماندگان دیگران نیکی کنید تا حرمت بازماندگان شما را نگاهدارند.

حکمت 278: ارزش تداوم عمل

قَلِيلٌ تَدْوُمٌ عَلَيْهِ أَجْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ. اندک کاری که به آن ادامه دهی، امید (سود) به آن بیشتر است از کار بسیاری که از آن ملول و خسته گردی (که ترکش نمایی).

حکمت 288: جهل و خواری

إِذَا أَرَدَ اللَّهُ عَبْدًا حَظَرَ عَلَيْهِ الْعِلْمَ. هرگاه خداوند بنده ای را (بر اثر گناه) خوار

ص: 147

گرداند علم را بر او منع کند(او را توفیق ندهد تا از علم دین که موجب سعادت و نیکبختی است بهره مند گردد؛ این فرمایش می رساند که نادانی بدترین بیچارگیهاست).

حکمت 297: ضرورت عبرت گرفتن

مَا أَكْثَرَ الْعِبْرَةَ وَالْإِعْتِبَارَ! عبرت ها چقدر فراوانند و عبرت پذیران چه اندک!

حکمت 304: ضرورت پاسخ دادن به نیازمندان

إِنَّ الْمَسْكِينِ رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ مَنَعَهُ فَقَدْ مَنَعَ اللَّهَ، وَ مَنْ أَعْطَاهُ فَقَدْ أَعْطَى اللَّهَ. مسکین فرستاده خداست، پس کسی که او را منع کند(کمکی ننماید) خدا را منع نموده، و کسی که به او چیزی ببخشد به خدا داده.

ص: 148

حکمت 305: غیرتمندی و ترک زنا

ما زنی عَيُورٌ قَطُّ. غیرت دار و جوانمرد هرگز زنا نکند (چون نمی پسندد که با اهلش زنا کنند، جوانمردیش اجازه نمی دهد با زنی که به او حرام است همبستر شود).

حکمت 311: نفرین امام علیه السلام

قال عليه السلام لأنس بن مالك، وقد كان بعثه الى طلحة والزبير لما جاء الى البصره يذكرهما شيئا مما سمعه من رسول الله صلى الله عليه وآله في معناهما، فلوى عن ذلك، فرجع إليه، فقال: إني أنسيت ذلك الأمر، فقال عليه السلام: إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَضَرْبَكَ اللَّهُ بِهَا بَيِّضًا لَأَمَعَهُ لَا تُؤَارِيهَا الْعِمَامَةُ. «(چون مولا علیه السلام به شهر بصره رسید خواست انس بن مالک

ص: 149

را به سوی طلحه و زبیر بفرستد تا آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آنان شنیده (1) یادشان آورد. انس مخالفت کرد و گفت: من آن سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را فراموش کرده ام، حضرت فرمود: «اگر دروغ می گویی خداوند تو را به بیماری بُرص (لک های سفید) دچار کند که عمّامه هم آن را نپوشاند. (پس از نفرین امام علیه السلام، انس به بیماری برص بر سر و صورت دچار شد، که همواره نقاب می زد).

حکمت 312: روانشناسی عبادات

إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ- وَإِدْبَارًا، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى التَّوْفَلِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفُرَائِضِ. دلها را روکردن و روبرگردانی است، پس چون

ص: 150

1- - که طلحه و زبیر از دین منحرف، و با امیرالمؤمنین علیه السلام جنگیده و جهنمی خواهند شد.

روکردند، آنها را (علاوه بر واجبات) به مستحبات وادارید، و هرگاه رو برگردانند به واجبات اکتفا نمائید (زیرا ترک واجبات به هر حال جایز نیست اگرچه حضور قلب هم نباشد).

حکمت 313: جامعیت قرآن

فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَّا قَبْلَكُمْ وَخَيْرٌ مَّا بَعْدَكُمْ، وَحُكْمٌ مَّا بَيْنَكُمْ.

در قرآن است خبر آنچه پیش از شما است (از احوال گذشتگان) و خبر آنچه بعد از شما است (از احوال قبر و برزخ و قیامت) و حکم آنچه بین شما است (از واجب و حرام و مستحب و مکروه و مباح).

ص: 151

حکمت 316: پیشوای مؤمنان؛ تبهکاران

أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الْفُجَّارِ. من پیشوای مؤمنین هستم، و دارایی تبهکاران است. (مؤمنین از من پیروی می کنند و بدکاران از دارایی).

حکمت 327: پیروزی های دروغین

مَا ظَفَرَ مَنْ ظَفَرَ الْأَعْتَمُ بِهِ، وَالْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ. آنکه گناه به او دست یابد پیروزی نیافته (گناه بر او پیروز شده)، و هرکه بسبب بدی (گناه) پیش رود (درحقیقت) شکست خورده (زیرا مغلوب هوای نفس که بدترین دشمن است گردیده).

ص: 152

حکمت 328: وظیفه سرمایه داران

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَعْيُنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ عَنِّي، وَاللَّهُ تَعَالَى جَدُّهُ سَأَلُهُمْ عَن ذَلِكَ. خداوند سبحان در دارائی توانگران روزی فقیران را واجب گردانیده پس بی چیز گرسنه نماند مگر بسبب آنچه توانگری به او نداده است، و خداوند متعال بازپرسی می نماید.

حکمت 330: مسئولیت نعمت ها

أَقَلُّ مَا يَلْزَمُكُمْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ لَا تَسْتَعِينُوا بِنِعْمِهِ عَلَى مَعْصِيَةِ. کمتر چیزی که لازم است شما برای خداوند

ص: 153

سبحان بجا آورید آن است که به نعمت های او بر معصیت های کمک نطلبید (که موجب خشم او گردد، زیرا به هرکه نعمتی دهد واجب است آنرا در راه طاعت و بندگی بکار برد).

حکمت 333: روانشناسی مؤمن

الْمُؤْمِنُ بِشَرِّهِ فِي وَجْهِهِ،.... وَهُوَ أَدْلُّ مِنَ الْعَبْدِ. مؤمن شادیش در رخسار و اندوهش در دل است، بردباریش در سختی های بی اندازه، فروتنیش بسیار، از سرکشی بدش می آید، و ریاکاری را دشمن دارد، اندوه او (برای عاقبتش) طولانی، همش بلند، سکوتش بسیار، وقتش به بندگی مشغول، سپاسگزار، شکیب و دوراندیش است، از کسی درخواست ندارد و نرم خو و فروتن است، نفس او از سنگ خارا سخت تر اما در دینداری از بنده خوارتر است.

ص: 154

حکمت 336: مسئولیت وعده دادن

الْمَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّى يْعِدَّ. کسی که از او چیزی بخواهند آزاد است تا وقتی که وعده کند (دیگر آزاد نیست و باید به وعده وفا نماید و الاً طوری رفتار نماید که خواهنده آزرده نشود).

حکمت 342: راه بی نیازی

الْغِنَى الْاَكْبَرُ الْيَأْسُ عَمَّا فِيْ اَيْدِي النَّاسِ. توانگری بسیار بزرگ، آرزونداشتن است به آنچه در دست مردم است (قانع بوده، آخرت را در نظر می گیرد و در آسایش است).

ص: 155

حکمت 337: ضرورت عمل گرایي

الداعي بلا عمل كالأرامي بلا وترٍ. درخواست کننده از خدا بی طاعت و بندگی مانند تیرانداز بدون کمان است.

حکمت 347: جایگاه ستایش

الثناءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْأَعْسَدِ يَحْفَاقُ مَلَقٌ، وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْأَعْسَدِ يَحْفَاقُ عَيٌّْ أَوْ حَسَدٌ. ستودن (دیگری) بیش از آنچه شایسته است چاپلوسی (و نشانه دورویی و نفاق) می باشد، و کمتر از آنچه سزاوار است در ماندگی یا رشک بردن بر اوست (هرکس را به اندازه شایستگی ستوده منزلتش را آشکار سازیم).

ص: 156

مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ... إِلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ. هرکه در عیب خویش بنگرد از عیب دیگری باز ماند(چون به اصلاح زشتی های خود پرداخته به دیگران نمی رسد)، و هرکه به روزی خدا خشنود باشد به آنچه از دست رود اندوهگین نشود، و هرکه شمشیر ستم برکشد(بسیار ستم کند) به همان شمشیر کشته شود(علاوه بر کیفر آخرت در دنیا هم تباه گردد)، و هرکه (بی اسباب) در کارها(ی دشوار) بکوشد و رنج کشد هلاک شود، و هرکه خود را در گردابه های سختی و بلا بیفکند(با ناتوانی به کار بزرگ دست اندازد) غرق گردد، و هرکه به جاهای بدنام قدم گذاشت متهم گردید(هرچند کار بدی انجام نداده باشد)، و کسی که زیاد سخن بگوید زیاد هم اشتباه دارد، و هرکه خطا بسیار کند شرمش کم

شود و هرکه شرمش کم شود دوری از گنااهش (پرهیزکاری) کم گردد، و هرکه دوری از گنااهش کم شود دلش می میرد و در آتش جهنم سقوط خواهد کرد داخل آتش شود، و هر که در زشتی های مردم نگریسته و آنها را زشت بشمارد، سپس همان زشتی ها را مرتکب شود، پس او احمق واقعی است، و قناعت (راضی بودن به آنچه دارد) مالی است که پایان نیابد، و هرکه فراوان به یاد مرگ باشد از دنیا به اندک چیزی خشنود باشد (چون غفلت از مرگ حرص به دنیا می آورد)، و هرکس بداند که گفتار او نیز از اعمال او به حساب می آید جز به ضرورت سخن نگوید.

ص: 158

حکمت 350: روانشناسی مردان ستمکار

لِلظَّالِمِ مِنَ الرَّجَالِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَ مَنْ دُونَهُ بِالْغَلْبَةِ، وَيُظَاهِرُ الْقَوْمَ الظَّالِمَةَ. مردم ستمکار را سه نشانه است: 1- با سرکشی و گناه ستم می کند به خداوند که مافوق اوست، 2- با زور ستم می نماید به زیردستان خود، 3- ستمکاران را (با گفتار و کردار و صرف مال) کمک می کند.

حکمت 351: امیدواری در سختی ها

عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدْوِ تَكُونُ الْفُرْجَةُ، وَعِنْدَ تَضَائِقِ حَلَقِ الْبَلَاءِ يَكُونُ الرَّخَاءُ. چون سختی ها به نهایت رسد، گشایش پدید آید و آن هنگام که حلقه های بلا تنگ گردد آسایش

ص: 159

فرارسد) چون با نیت پاک به خدا پناه برده، رفع گرفتاری خواهد و خداوند هم حاجتش را برآورد).

حکمت 352: اعتدال در رسیدگی به امور خانواده

لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَوَلَدِكَ: فَإِنْ يَكُنْ أَهْلُكَ وَوَلَدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَوْلِيَاءَهُ، وَإِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَمَا هُمُّكَ وَشُغْلُكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ؟! به یکی از اصحاب خویش فرمودند: بیشتر کارت را برای زن و فرزندت قرار مده که اگر آنان دوست خدا باشند خدا دوستانش را تباه نسازد(به غیر خود محتاج ننماید) و اگر دشمن خدا باشند اندوه و کار تو برای دشمنان خدا چیست؟

ص: 160

حکمت 353: بزرگ ترین عیب

أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. بزرگ ترین عیب آن که چیزی را در خود داری، بر دیگران عیب بشماری.

حکمت 357: روش تسلیت گفتن

وَعَزَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْمًا عَنِ مَيِّتٍ لَهُمْ فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَيْسَ لَكُمْ بِدَأْ، وَلَا إِلَيْكُمْ أَنْتَهَى، وَقَدْ كَانَ صَاحِبِكُمْ هَذَا يُسَافِرُ فَعُدُّوهُ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ، فَإِنْ قَدِمَ عَلَيْكُمْ وَإِلَّا قَدِمْتُمْ عَلَيْهِ. در تسلیت به صاحبان عزافرمودند: این مرگ او نه به شما شروع شد و نه تمام (برای همه یکسان است) و این یار شما (در زندگی) سفر می کرد اکنون پندارید که به یکی از سفرهای خود رفته است، اگر او باز نگردد شما به سوی او خواهید رفت.

ص: 161

حکمت 360: ضرورت پرهیز از بدگمانی

لَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا. به سخنی که از (دهان) کسی بیرون آید باید گمان بد مبری در حالی که احتمال نیکی بر آن می‌بری.

حکمت 361: روش خواستن از خدا

إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَاجَةٌ... وَيَمْنَعُ الْآخِرَى.

در هنگام درخواست حاجت به خداوند سبحان، با صلوات آغاز کن بعد حاجت خود را بخواه، زیرا او بخشنده تر است از اینکه دو حاجت از او خواسته شود یکی از آنها را روا سازد و دیگری را روا نسازد.

ص: 162

حکمت 364: جایگاه پرسیدن

لَا تَسْأَلُ عَمَّا لَا يَكُونُ فِى الذِّى قَدْ كَانَ لَكَ شُغْلٌ. از آنچه واقع نمی شود (و سودی برای تو ندارد) مپرس بلکه در آنچه برای تو سود دارد (مثل احکام و امور دین که باید به آن پردازی) که مهم تر است.

حکمت 369: خبر از مسخ ارزش ها

يَأْتِى عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ... وَ نَحْنُ نَسْتَقِيلُ اللّٰهَ عَثْرَةَ الْغَفْلَةِ. روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی (بی اندیشه در معانی و حقایق آن)، و از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند (به دستورات دین عمل

ص: 163

نمی شود)، مساجد آنان در آن روزگار آبادان، اما از هدایت ویران است، مسجدنشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین می باشند(زیرا) کانون هر فتنه، و جایگاه هرگونه خطاکاری اند، هرکس از فتنه برکنار است او را به فتنه بازگردانند، و هرکس که از فتنه عقب مانده او را به فتنه ها کشانند، که خدای بزرگ فرماید: «به خودم سوگند! برآنان فتنه ای بگمارم که انسان شکیباً در آن سرگردان ماند!» و چنین کرده است، و ما از خدا می خواهیم که از لغزشِ غفلت ها درگذرد(تا مانند فتنه جویان به کیفر دائمی گرفتار نشویم).

حکمت 371: ارزش های والای اخلاقی

لَا شَرَفَ أَعْلَىٰ مِنَ الْأِسْلَامِ، وَ... الشَّرُّ جَامِعٌ لِمُسَاوِي الْعُيُوبِ.

ص: 164

هیچ شرف و بزرگی بالاتر از اسلام (که به سعادت دنیا و آخرت برساند)، و هیچ عزتی، از پرهیزکاری ارجمندتر، و هیچ شفیعی پیروزتر از توبه، و هیچ گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست. و کسی که به اندازه کفایت زندگی از دنیا بردارد به آسایش دست یابد، و آسوده خاطر گردد، درحالی که دنیاپرستی کلید دشواری، و مرکب رنج و گرفتاری است، و حرص ورزی و خودبزرگ بینی و حسادت، عامل بی پروایی در گناهان است، و بدی، جامع تمام عیب هاست.

حکمت 372: عوامل استحکام دین و دنیا

لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: يَا جَابِرُ،.... بِمَا يَجِبُ عَرَضَهَا لِلزَّوَالِ وَالْفَنَاءِ. به جابر بن عبدالله انصاری (از نیکان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: ای جابر، برپابودن دین

و دنیا به چهار شخص است: عالمی که علم خود بکار برد، جاهلی که ننگ نداشته باشد از اینکه یاد گیرد، و توانگری که به نیکی و احسان خود بخل نوزد، و فقیری که آخرت خویش را به دنیا نفروشد؛ پس وقتی عالم علم خود را به کار نبرد جاهل از یادگرفتن ننگ خواهد داشت، و وقتی توانگر به احسان خویش بخل ورزد فقیر آخرتش را به دنیایش می فروشد. ای جابر، هرکه نعمت های خدا(داری، دانائی، بزرگی و مانند آنها) بر او بسیار شود، درخواستهای مردم به او بسیار می گردد، پس کسی که برای خدا در آن نعمتها به آنچه واجب است قیام نماید آنها را همیشگی می سازد(برای نسلهای بعدی و برای آخرت خویش)، و آنکه برای خدا به آنچه که واجب است قیام ننماید، آنها را به نابودی و نیستی می کشد.

ص: 166

حکمت 376: سرانجام حق و باطل

إِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مَّرِيَاءٌ، وَإِنَّ الْبَاطِلَ خَفِيفٌ وَبِئْسَ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. حق (در ظاهر) گران و سنگین و (در باطن) گوارا؛ باطل (در ظاهر) سبک است و آسان و (در باطن) و باآورنده (نابودکننده).

حکمت 377: ضرورت رسیدن از عذاب الهی

لَا تَأْمَنَنَّ عَلَى خَيْرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ... بر بهترین افراد این امت از عذاب خدا ایمن مباشید به جهت فرموده خداوند سبحان: «از کیفر خدا ایمن نیستند مگر زیانکاران» (اعراف: 99)، و بر بدترین افراد این امت از رحمت خدا نومید مباشید به جهت فرموده خداوند سبحان: از رحمت خدا

ص: 167

نومید نباشند جز کافران (یوسف: 87) (پس خدا می داند که پایان هرکس چه باشد، هیچکس نباید به ظاهر حال اعتماد نموده و از پایان آن آسوده یا ناامید باشد).

حکمت 380: ضرورت یاد مرگ

رَبِّ مُسْتَقْبِلِ يَوْمًا لَيْسَ بِمُسْتَدْبِرِهِ، وَ مَغْبُوطٍ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ قَامَتْ بِوَآكِيهِ فِي آخِرِهِ. چه بسیار کسانی که در آغاز روز بودند و به شامگاه نرسیدند و چه بسیار کسانی که در آغاز شب بر آنها حسد بردند و در پایان شب عزاداران به سوگشان نشستند.

ص: 168

حکمت 381: ضرورت رازداری و کنترل زبان

الْكَلَامُ فِي وِثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ، فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِدْرَتَ فِي وِثَاقِهِ، فَأَخْزُنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزُنُ ذَهَبَكَ وَوَرِقَكَ، فَرُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَجَلَبَتْ نِقْمَةً. سخن در بند تو می باشد تا آنرا نگفته باشی و چون به زبان آوردی تو در بند آن هستی، پس زبانت را (در خزینه دهان) نگاه دار چنانکه طلا و نقره را در خزینه نگه می داری زیرا چه بسا سخنی که نعمتی را طرد یا نعمت و بلایی را جلب کرد.

حکمت 382: ارزش سکوت

لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ... آنچه را نمی دانی مگو، بلکه هرچه را هم میدانم مگو (مگر در جایی که جایز و واجب است)،

زیرا خداوند سبحان بر همه اعضا تو احکامی را واجب کرده که روز قیامت به آنها بر تو دلیل و بهانه می آورد.

حکمت 384: راه چگونه زیستن

الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا تُعَايِنُ مِنْهَا جَهْلٌ، وَالتَّقْصِيرُ فِي حُسْنِ الْعَمَلِ إِذَا وَثِقْتَ بِالثَّوَابِ عَلَيْهِ غِبْنٌ، وَالطَّمَأْنِينَةُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ قَبْلَ الْإِخْتِبَارِ لَهُ عَجْزٌ. دل‌بستگی به دنیا با آنچه (فریب و بی وفایی که) از آن به چشم می بینی نادانی است، و کوتاهی نمودن در نیکوکاری (طاعت و بندگی) وقتی که به پاداش آن اطمینان داری زیانکاری است، و اعتماد نمودن به هرکس پیش از آزمایش او (موجب) ناتوانی و در ماندن (در کار) است.

ص: 170

حکمت 385: دنیا شناسی

مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا، وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا. از نشانه های پستی دنیا نزد خدا همان بس که جز در دنیا، نافرمانی خدا نکنند و جز با رها کردن دنیا به پاداش الهی نتوان رسید.

حکمت 388: فقرزدایی و سلامت

أَلَا وَإِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَقَاةَ، وَ أَشَدُّ مِنَ الْفَقَاةِ... بدانید که از جمله گرفتاریها فقر است و سخت تر از فقر بیماری تن است، و سخت تر از آن بیماری دل است (چون لازمه آن از دست دادن سعادت آخرت می باشد)، و بدانید که همانا، عامل تندرستی، تقوای دل است.

ص: 171

حکمت 391: ضرورت ترک حرام و غفلت زدگی

إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُبْصِرَكَ اللَّهُ عَوْرَاتِهَا، وَلَا تَغْفُلْ فَلَسْتَ بِمَعْفُولٍ عَنْكَ. در دنیا بی رغبت باش (دل مبنده) تا خدا تو را به زشتی های آن بینا سازد، و (از کار خود) بی خبر مباش که از تو غافل نیستند (همه چیز ثبت می شود).

حکمت 398: ترک غرور و یاد مرگ

صَنَعَ فَخْرَكَ، وَاحْطَطْ كِبْرَكَ، وَأَذْكُرْ قَبْرَكَ. فخر خود را کنار بگذار، کبر نداشته باش و گورت را یاد کن (تا از ناشایسته باز ایستی).

ص: 172

حکمت 399: حقوق متقابل پدر و فرزند

إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ... حق پدر بر فرزند آنست که پدر را در هرچیز مگر در نافرمانی خداوند سبجان اطاعت نماید، و حق فرزند بر پدر آن است که نام فرزند را نیکو قرار دهد (به نام یکی از معصومین علیهم السلام یا یکی از خاندان آنها نام نهد)، و او را با ادب بار آورد، و قرآن را به او بیاموزد.

حکمت 412: راه خودسازی

كَفَاكَ أَدَبًا لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ. در تربیت خویش تو را بس، که از آنچه بر دیگران نمی پسندی دوری کنی.

ص: 173

حکمت 415: دنیا شناسی

الدُّنْيَا تَعْرُ وَتَصْرُ وَتَمُرُّ، إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ... دنیا (به زینت خود) فریب می دهد، و (به گرفتاریهایش) زیان می رساند، و به سرعت می گذرد، خداوند سبحان (بر اثر پستی دنیا) راضی نگشت که آنرا پاداش دوستان خود و کیفر دشمنانش قرار دهد، و اهل دنیا مانند کاروانی هستند که در بین راه (برای رفع خستگی) که فرود آمده اند، ناگاه راننده ایشان بانگ زند کوچ کنید، پس به راه افتند.

قسمت دوم از حکمت 416: روش برخورد با دنیا

فَإِنَّ الَّذِي فِي يَدَيْكَ... وَلِمَنْ بَقِيَ رِزْقُ اللَّهِ . (در زیان گذاشتن ثروت برای وارث) آنچه در دو دست تو است از دنیا، پیش از تو صاحبی داشته،

ص: 174

و پس از توبه به صاحبی می‌رسد، و تو برای یکی از دو مرد گردآورنده‌ای: کسی که به طاعت خدا عمل کند پس نیکبخت شود به چیزی که توبه سبب آن بدبخت شده‌ای (محاسبه می‌شوی)، یا مردی که در معصیت خدا به کار برد پس بدبخت شده به آنچه برای او گردآورده‌ای، پس هیچیک از این دو را شایسته نیست برخویش اختیار نمایی و نه آنکه برای او بر پشت خود (گناه) بار کنی.

حکمت 419: مشکلات انسان

مَسْكِينُ ابْنِ اٰدَمَ: مَكْتُومُ الْاَعْجَلِ، مَكْنُونُ الْعَلَلِ... ذليل و بيچاره فرزند آدم: اجلس پنهان، همواره در معرض پيشامدها و بيماريهاي ناگوار مي‌باشد، عملش ثبت و محفوظ، پشه او را دردناک مي‌سازد، و آب در گلوگرفتن او را مي‌گُشد، و عرق

ص: 175

بدبو می کند(پس آیا شایسته است گردنکشی و فخر فروشی؟!)

حکمت 423: اهمیت خودسازی

مَنْ أَصْدَقَ لِحَسْرَتِهِ أَصْدَقَ لِحَالِهِ عِلْمُهُ، وَمَنْ عَمِلَ... هر که نهان (اندیشه) خود را درست کند، خدا آشکار او را درست نماید، و هر که برای دینش کار کند خدا امر دنیای او را کفایت فرماید، و کسی که آنچه بین خود و خداست نیکو سازد، خدا آنچه را بین او و مردم است نیکو نماید.

حکمت 428: عید واقعی

إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبَلَ اللَّهَ صِيَامَهُ، وَشَكَرَ قِيَامَهُ، وَكُلَّ يَوْمٍ لَا يُعْصِي اللَّهَ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٍ.

ص: 176

(در عید فطر فرمودند): امروز عید کسی است که خدا روزه اش را پذیرفته و نمازش را پاداش داده(نه برای آنکه جامه نو پوشد و پیش خدا آبرو نداشته باشد)، و هر روز که خدا را در آن معصیت نکنند آنروز عید است.(طبق این فرمایش مولا، با دقت محاسبه نمایید که چند روز در سال عید دارید؟)

حکمت 434: آزمون انسان ها

أَخْبِرْ تَقْلِبُهُ. مردم را بیازمای تا (آنها را) دشمن داری(چون در ظاهر بیشتر مردم بد نیستند، هنگام آزمایش زشتی اعمال آنها آشکار می گردد).

ص: 177

مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ فَقَدْ اِزْتَلَمَ فِي الرَّبَا. کسی که بدون دانستن احکام دین خرید و فروش کند در ربا فرورود و گرفتار شود. حکمت 448: راه برخورد با مصیبت ها مَنْ عَظَّمَ صِدْقَ الْمَصَائِبِ ابْتِلَاءُ اللَّهِ بِكِبَارِهَا. هر که مصائب کوچک را بزرگ شمارد خداوند او را به بزرگ های آنها گرفتار گرداند (راضی نبودن به قضا و قدر الهی مستلزم فزونی بلا و اندوه است، ولی اگر بر مصیبت و اندوهی سپاسگزار باشد امید دفع بلا خیلی بیشتر است.)

حکمت 449: راه مبارزه با هواپرستی

مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ. هر که عزت نفس داشت، شهوت های (حرام) نزد او پست (و بی ارزش) می گردد.

حکمت 454: راه غرور زدایی

مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْفَخْرِ: أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ، وَ آخِرُهُ جِيْفَةٌ، لَا يَرْزُقُ نَفْسَهُ، وَلَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ. پسر آدم را چه با فخر و نازیدن که اول او منی و آخر او مُردار بدبو است، نه خود را روزی می دهد و نه مرگ خویش را دفع نماید.

ص: 179

حکمت 456: بهای جان آدمی

أَلَا- حُرِّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ تَمَنُّ إِلَّا الْجَنَّةَ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا. آیا آزادمردی نیست که این ته مانده طعام در دهان (دنیای پست) را برای اهلش (کفار و منافقین) رها کند؟ برای نفس های شما جز بهشت بهایی نیست پس آنها را جز به آن بها نفروشید.

حکمت 457: تشنگان مال و علم

مَنْهُمَانِ لَا يَشْبَعَانِ: طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا. دو گرسنه هرگز سیر نشوند: جوینده علم و جوینده مال.

ص: 180

حکمت 461: غیبت، نشانه ناتوانی

الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ. غیبت کردن، تلاش ناتوان است. (1)

حکمت 469: پرهیز از افراط و تفریط نسبت به امام

يَهْلِكُ فِي رَجُلَانِ: مُحِبُّ مُفْرِطٌ، وَبَاهِتٌ مُتَرِّ. درباره من دو مرد (گروه) هلاک می شوند: یکی دوستی که (در دوستیش) زیاده روی کند (مثل صوفیه که از رحمت خدا دور می باشند و ائمه اطهار علیهم السلام از آنها بیزار می هستند) و دیگری بهتان زننده ای که به من دروغ بندد.

ص: 181

1- - غیبت؛ در روایات فراوانی شدیداً منع شده، و انتقال حسنات و نیکی ها به شخص غیبت شده را در پی دارد. شخص عاقل و معتقد، از گفتن و شنیدن غیبت جداً دوری می جوید.

حکمت 470: توصیف توحید و عدل

التَّوْحِيدُ أَنْ لَا تَتَوَهَّمَهُ، وَالْعَدْلُ أَنْ لَا تَتَّهَمَهُ. يَگانه دانستن خدا آن است که او را در وَهْم و اندیشه نیاوری (آنچه در اندیشه آید مانند تو مخلوق است)، و عدل آن است که او را به آنچه شایسته او نیست مَتَّهَم نسازی.

حکمت 474: ارزش عَمَّت و پاکدامنی

مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ، لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

ص: 182

پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگ تر از پاداش عقیف پاکدامنی نیست که قدرت برگناه دارد و آلوده نمی گردد، همانا عقیف پاکدامن، فرشته ای از فرشته هاست.

ص: 183

1- این روایت با کدام گزینه تکمیل می شود؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از نشانه های پستی دنیا نزد خدا همین بس که:

الف: با وابستگی به دنیا انسان پست می شود

ب: جز در دنیا نافرمانی خدا نکنند

ج: جز با رهاکردن دنیا به پاداش الهی نتوان رسید

د: مورد ب و ج

2- طبق دستور صریح اسلام، موسیقی "" می آورد.

الف: فقر

ب: بی غیرتی

ج: قساوت قلب

د: هر سه مورد

3- دستورات و معارف دینمان را از کدام کتاب ها بایستی بخوانیم؟

ص: 184

الف: کتاب های پرفروش جوان پسند

ب: کتابهای بی مدرک و عوام پسند

ج: کتاب های معتبر از نظر علمای دین شناس دلسوز

د: هر سه مورد

4- طبق فرمایش مولا علیه السلام، سخت تر از فقر "" است.

الف: بیماری تن

ب: بیماری دل (روح)

ج: جهل و نادانی

د: موارد الف و ب

5- گزینه صحیح در این فرمایش مولا علیه السلام چیست؟ در دنیا دل مبنده تا خدا تو را به "" بینا سازد و (از کار خود) بی خبر مباحث که از تو "" نیستند.

الف: زیبایی های آن - بی خبر

ب: زشتی های آن - غافل

ج: حکمت های آن - غافل

د: مورد الف و ج

6- کدام گزینه در فرمایش سرورمان علیه السلام صحیح است؟

ص: 185

فخر خود را *** ، کبر *** و گورت را ***

الف: بیاد آور، نداشته باش، یاد کن

ب: کنار بگذار، نداشته باش، یاد کن

ج: بیاد آور، به اندازه ای داشته باش، یاد کن

د: کنار بگذار، به اندازه ای داشته باش، یاد کن

7- مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آن روزی عید است که ***

الف: مردم به عبادت پردازند

ب: شاد باشند و جشن بگیرند

ج: گناه نکنند د: به فقرا رسیدگی و کمک نمایند

8- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که بدون دانستن احکام دین خرید و فروش کند ***

الف: شاید ورشکسته شود

ب: در ربا فرورود و گرفتار شود

ص: 186

ج: از او کلاهبرداری شود د: نزول خوار می شود

9- مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام : دوری از گناهان ""

الف: شجاعت است

ب: سپر است (از عذاب الهی)

ج: توفیق می خواهد د: قسمت الهی است

10- مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی گویند، جز آن که خدا آنان را..... الف: به

چیزی زیان بارتر دچار خواهد ساخت

ب: به خودشان وامی گذارد

ج: از کارهای خیر غافلشان می کند

د: هر سه مورد

11- سرورمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچ عقلی سودمندتر از "" نیست.

الف: تدبیر

ب: دوراندیشی

ج: جلب رضایت دیگران

د: الف و ب

ص: 187

12- مولانا امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمودند: هرگاه مستحبات به واجبات زیان رساند، آن ***

الف: واجبات را ترک نکنید

ب: مستحبات را ترک کنید

ج: مستحبات و واجبات را انجام دهید

د: مستحبات را ترک نکنید

13- کدام گزینه در فرمایش سرورمان علیہ السلام صحیحه؟ غیرت دار و جوانمرد هرگز مرتکب زنا نمی شود چون ***

الف: نمی پسندد که با اهلش همین عمل را دیگران مرتکب شوند

ب: جوانمردیش اجازه نمی دهد که معصیت خدای شاهد را بنماید

ج: عمرش کوتاه می شود

د: الف و ب

ص: 188

14- مولانا امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمودند: مسکین(درمانده) فرستاده خداست، کسی که به او چیزی ببخشد(خالصانه) ***

الف: به خدا داده

ب: کفاره گناهانش می شود

ج: معلوم نیست قبول شود

د: الف و ب

15- امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمودند: هیچ فقری چون *** و هیچ ارثی چون *** و هیچ پشتیبانی چون *** نیست.

الف: ناتوانی - اخلاق - مشورت

ب: نادانی - اخلاق - مشورت

ج: ناتوانی - ادب - مشورت د: نادانی - ادب - مشورت

16- کدام گزینه در فرمایش سرورمان علیہ السلام صحیحه؟ از دست دادن فرصت باعث *** است.

الف: بینش و دوراندیشی

ب: غم و اندوه

ص: 189

ج: ناتوانی د: هیچکدام

17- این روایت از فرمایشات کدام پیشوای ما می باشد: ما نظر خود را از شما بر نمی گیریم (که به حال خود وابمانید) و فراموشتان نمی کنیم، اگر چنین نبود گرفتاری ها شما را از پای می انداخت و دشمنان، شما را از بین می بردند

الف - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ب - امیرالمؤمنین علی علیه السلام

ج - امام صادق علیه السلام

د - امام زمان علیه السلام

18- کدام گزینه در موضوع مطالعه معارف دینی نادرست است؟

الف - هر کتابی را بخوانیم و خویش را انتخاب کنیم

ب - چون تشخیص مطالب منحرف کننده سخت است بایستی از دین شناس دلسوز کمک بگیریم

ج - با دوستانمان مشورت نماییم

د - الف و ج

ص: 190

فهرست کتاب

- ۳ مقدمه
- ۵ شگفتی محیرالعقول
- ۷ یک مسیحی ۲۰۰ بار نهج البلاغه را خوانده! ...
- ۸ یک نمونه از علم اکتشاف: ...
- ۱۰ کسب موفقیت فراگیر از سرچشمه اصلی ...
- ۱۲ مناظره جذاب و دلنشین ...
- ۱۳ به خود آییم ...
- ۱۷ عوامل رویکرد اندیشمندان غربی به اسلام ...
- ۲۱ حکایتی دلنشین از اهمیت اخلاق اسلامی ...
- ۲۶ چرا شیطان پیله‌محبین (شیعیان) می‌شود؟ ..
با عمل به دستورات دین، روح و جسم خود را
- ۲۹ بیمه نماییم ...
- ۳۰ دو حکایت دلنشین واقعی در این رابطه ...

با طلا باید نوشت (منتخب نهج البلاغه) ۱۹۲

- ۳۲ یکی از معجزات اسلام
- ۳۷ شایعه مرموز روایات جعلی
- ۳۹ در امور پیش پا افتاده هم روایت داریم
- ۴۰ یکی از دلائل مهم اندیشمندان به اسلام
- قاعده کلی در تطبیق احکام شرع با
- ۴۳ دانش جدید
- ۴۶ هر کتابی را مطالعه نماییم
- ۴۹ معرفی بهترین و کاملترین الگو
- ۵۴ راهکار مهم
- ۵۷ نکته :
- ۵۸ دو توصیه قرآنی مهم
- ۵۹ در مورد این کتاب
- ۶۱ برگزیده خطبه‌های نهج البلاغه
- ۹۹ برگزیده نامه‌های نهج البلاغه
- ۱۰۳ برگزیده حکمت‌های نهج البلاغه

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

